



۳-۷- لوح صلح (پرچم اور)، قبرستان سلطنتی اور، عراق، لوح صدف کاری شده ی روی چوب



۳-۶- هنر سومری، بزرن و درخت (پایه ای برای آویختن نذورات)، اور، حدود ۲۶۰۰ ق.م چوب و طلا و لاجورد، بلندی ۵۰ cm- موزه ی دانشگاه فیلادلفیا



۳-۸- ب- جعبه موسیقی با تصویر سازی، ۲۶۰۰ قبل از میلاد، چوب، طلا و صدف موزه دانشگاه فیلادلفیا



۳-۸- الف- جعبه ی موسیقی چنگ

اکد (حدود ۲۱۸۰ - ۲۳۴۰ ق.م)



۳-۹- سر حکمران اکدی از نینوا ، عراق ،
۲۲۰۰-۲۲۵۰ ق . م ، جنس مس ، موزه
بغداد ، عراق

پس از سومری‌ها ، سلسله اکدی‌ها که از نژاد سامی بودند قدرت را بدست گرفتند. در نظام اجتماعی اکدی‌ها پادشاه و فرمانروا قدرتی تام و متمرکز داشت و بدین لحاظ است که تمثال شاهان این دوره بیشتر یافت شده است. اکدی‌ها را می‌توان اولین سلسله منسجم پادشاهی میان رودان دانست. دانش هنری سومریان که در عهد گذشته در جهت ساخت تندیس‌های خدایان، الهه‌ها و جانوران اساطیری به کار می‌رفت ، در اكد در خدمت "تجلیل مقام پادشاه" به کار گرفته شد . اوج توان هنری پیکر تراشان این عهد را می‌توان در تصویر (۳-۹) مشاهده کرد .

تأکید بر قدرت پادشاهی را می‌توان در نقش برجسته «لوح پیروزی نارام سین» نیز مشاهده کرد (تصویر ۳-۱۰). نارام‌سین از پادشاهان قدرتمند اکدی بود. در این نقش برجسته، با یورش سپاهیان نارام‌سین بر دشمن روبرو هستیم، در حالی که خود پادشاه، در اینجا با اندامی درشت‌تر - که نماینده برتری و دارا بودن قدرت خدایی است - با حالتی سترگ و استوار ایستاده است و دشمنان ضعیف و ذلیل در پیش پای او به تضرع درآمده‌اند. پادشاه تاجی شاخدار به سر دارد که تا پیش از این در انحصار خدایان بوده است. هیچ موجودی جز دو خورشید درخشانده و کوهی که علامت ارتقای پادشاه به بالاترین مراتب نیک بختی است بر فراز سر او وجود ندارد. می‌بینیم که کلیه نمادها و نقوش در جهت تثبیت و تجلیل از مقام شاه بکار رفته‌اند چیزی که در هنر اکدی به وضوح دیده می‌شود.

سومر نوین (اور)

در فاصله‌ی میان سقوط «اکدی‌ها» و ظهور حکومت «بابل» که زمانی حدود نیم قرن طول کشید، سومریان شهر «اور» دوباره قدرت یافتند و سعی کردند تا دولت و حکومت را به قدرت خدایی رسانده و معابد را احیا نمایند. «گودا» فرمانروای خردمند این نظام، عنوان «پادشاه» را مختص خدای شهر می‌دانست. (در نظام حکومتی سومریان هر شهر خدایی داشت که همه املاک شهر متعلق به او بود و فرمانروایان به نیابت از قدرت خدای شهر حکومت می‌کردند از این رو، معابد همواره رونقی مادی و معنوی داشتند).

از «گودا» تصویر (۳-۱۱ الف و ب) تندیس‌های زیادی در حالت‌های نشسته و ایستاده در حالی که دستانش را در جلو سینه به هم فشرده است به جای مانده که هر یک در حالتی مناسب با شرایط معبد تراشیده شده‌اند. او کلاهی بافته شده بر سر دارد که در قیاس با سربند فرمانروای اکدی (تصاویر ۳-۹ و ۳-۱۰) بسیار ساده است. کلاً هیبت و تزئینات لباس «گودا» بسیار ساده‌تر و متواضعانه‌تر از فرمانروای اکدی است.

این سادگی و تواضع با اعتقادات این فرمانروا در مورد تعلق عنوان پادشاهی به خداوند شهر و قراردادن قدرت سیاسی به عنوان بخشی از قدرت معنوی معبد هماهنگی کامل دارد.



۳-۱۰- لوح پیروزی نارام سین ، شوش
۲۲۱۸-۲۲۵۴ ق . م. سنگ ماسه صورتی
موزه ی لوور پاریس



۱۱-۳-ب - گودآ در حال نیایش از شهر لاکاش (شهر کنونی تلو) ۲۱۰۰ قبل از میلاد



۱۱-۳-الف - پیکره نشسته گودآ ، لاکاش (تلو کنونی) ، عراق ، ۲۱۰۰ ق. م. ، بلندی ۸۲ سانتی متر

بابل (۱۷۶۰ تا ۱۶۰۰ ق. م)

در هزاره دوم ق. م منطقه میان رودان دچار آشفتگی و آشوب گردید. در این دوران در منطقه مرکزی ، حکومتی به واسطه فرمانروایان محلی در بابل پدید آمد و توانست موقعیتی برجسته همانند دوران فرمانروایان



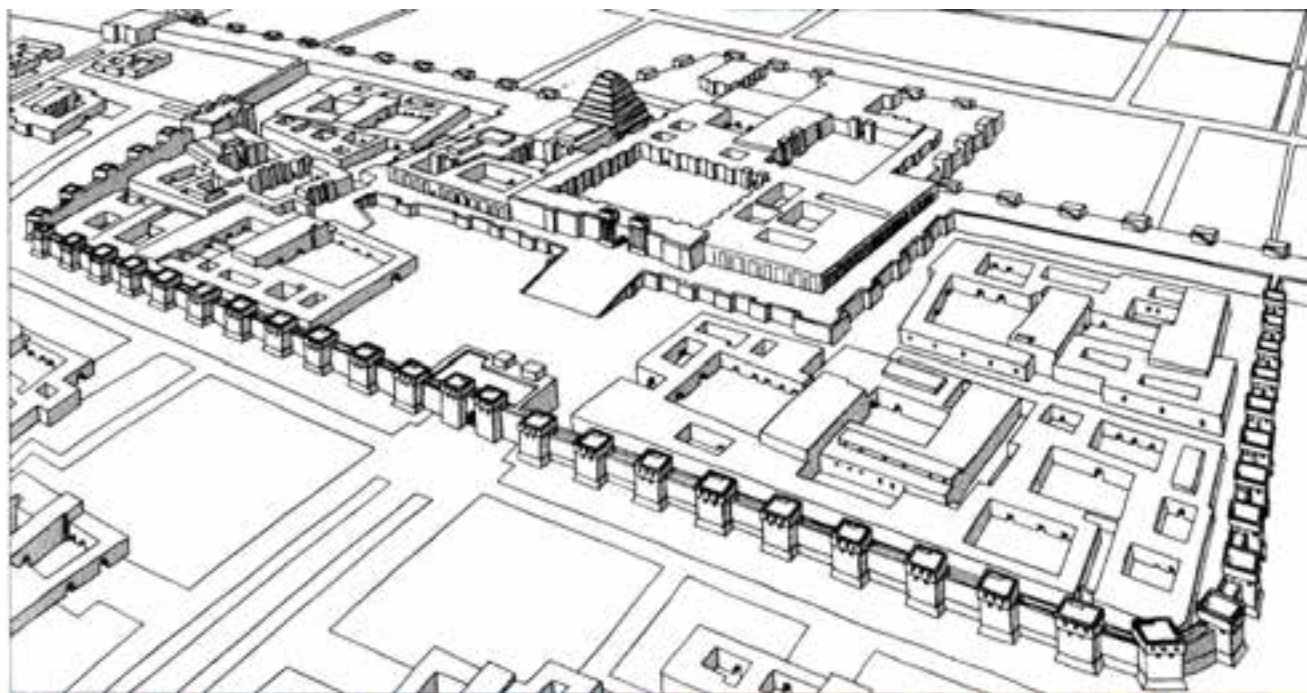
۱۲-۳- لوح قانون حمورابی ، شوش ، ۱۷۸۰ ق. م. ، سنگ بازالت ، بلندی ۲ متر

اکدی و اور بدست آورد. درخشان‌ترین چهره این روزگار حمورابی بود که با دلاوری جنگی و احترام عمیقی که به سنت سومری داشت خود را همچون چوپان برگزیده‌ی خدای خورشید یا شمش (شاماش) می‌دانست، از این رو خود را موظف در ایجاد دادگری بر زمین می‌دانست. اثر جاودان به یادگار مانده همان مجموعه قوانین وی است که به عنوان نخستین مجموعه قوانین بشری متکی بر عقل و انسانیت تدوین یافته است. به دستور وی مقرر شد تا احکام را بر لوحی بلند از سنگ (تصویر ۱۲-۳) حک کنند و بر بالای آن تصویر خود و خدای خورشید را مصور سازند. این دولت و نوع حکومت مبتنی بر قانون باعث شد تا در دوره فرمانروایی وی و پس از او بابل مهم‌ترین مرکز فرهنگی منطقه سومر برای مدت هزار سال شود.

آشور

در اواسط هزاره‌ی دوم پیش از میلاد، آشوری‌ها پس از پایان یافتن اقتدار "اکد" و "بابل" به قدرت رسیدند. سنت ساخت زیگورات‌ها و دولت‌شهرها همچنان ادامه یافت و آنها نیز همانند سومریان بناهای خود را با آجر می‌ساختند. اما از آنجا که محل استقرار آشوری‌ها ناحیه‌ی شمالی میان رودان بود و در این ناحیه سنگ به وفور یافت می‌شد از تخته‌سنگ‌های وزین و حجیم در قسمت‌های پایینی محوطه‌های مهم داخل بنا و دروازه‌ها استفاده می‌کردند (اواسط هزاره اول ق. م. اوج شکوفایی و قدرت امپراطوران آشور به شمار می‌رود) رواج استفاده از سنگ، زمینه‌ی مساعدی برای خلق نقش برجسته‌ها و مجسمه‌های گوناگون بود.

زیگورات‌های این دوره بیشتر به شکل هرم‌های پلکانی نزدیک شدند. زیگورات خرساباد که به دستور سارگون دوم، امپراتور قدرتمند آشوری بنا شده بود، هفت سطح پلکانی داشته که امروزه تنها چهار طبقه از آن باقی مانده است. ارتفاع هر طبقه ۵/۵ متر و هر طبقه با رنگ جداگانه‌ای رنگ‌آمیزی شده بود. می‌توان تصور کرد که این معبد زیبای هفت رنگ نمایی دل‌انگیز به ارگ سارگون می‌بخشیده است. در تصویر (۱۳-۳) طرحی از ارگ سارگون دوم را که با استناد به بقایای مکشوف تهیه شده، مشاهده می‌کنید. زیگورات هفت طبقه در قسمت بالای تصویر دیده می‌شود.



۱۳-۳- طرح بازسازی شده ارگ سارگون دوم، دورشروکین (خرسباد)، عراق، ۷۰۵-۷۲۰ ق. م

هنرمندان سنگتراش آشوری مهارت و خلاقیت خود را بیشتر در آفرینش نقش برجسته‌ها جهت دادند، زیرا سطوح طولانی و بی‌انتهای دیواره‌های کاخ‌ها چنین زمینه وسیعی را برای خلق مناظر گوناگون فراهم آورده بود. نقوش کاخهای نیمرود (تصویر ۱۴-۳) و نینوا (تصاویر ۱۵-۳) چون کتابی مصور توصیف جنگها، شکارها و خلاصه هر آنچه را که معرف قدرت، شوکت پادشاه و پادشاهی است به استادانه‌ترین وجه به عهده گرفته‌اند.

نوع ترکیب بندی عناصر تصویری، حرکت اسب‌ها و شیوه کمان‌گیری ارابه‌ران‌ها در تصاویر (۱۴-۳) و (۱۵-۳) شباهت بسیاری با آثار مصری دارد و این شباهت بیانگر رابطه دو تمدن و تاثیر و تاثراتی است که از یکدیگر گرفته‌اند.

چیز دیگری که بیننده را در نقش برجسته‌های آشور به تحسین وادار می‌کند، دانش وسیع کالبدشناسی و دقت نظر هنرمندان در القای حرکات طبیعی ماهیچه‌هاست. در تصویر (۱۶-۳) ماده شیری دیده می‌شود که در اثر اصابت پیکان‌های کشنده، مجروح شده و آخرین لحظات زندگی را سپری می‌کند.

جانوران در آثار هنری کشف شده از مناطق مختلف تمدن میان رودان حضوری جدی و با اهمیت دارند. این اهمیت معمولاً جنبه‌ی اسطوره‌ای داشته است. در مواردی چون نقش برجسته‌های تصاویر (۱۵-۳) و (۱۶-۳) که قدرت پادشاه در یک صحنه شکار شیر به نمایش درآمده، موضوع بسیار عادی است ولی در موارد دیگر حضور جانوران، خصوصاً بز و عقاب، جنبه‌ی نمادین و گاه مقدس دارند.

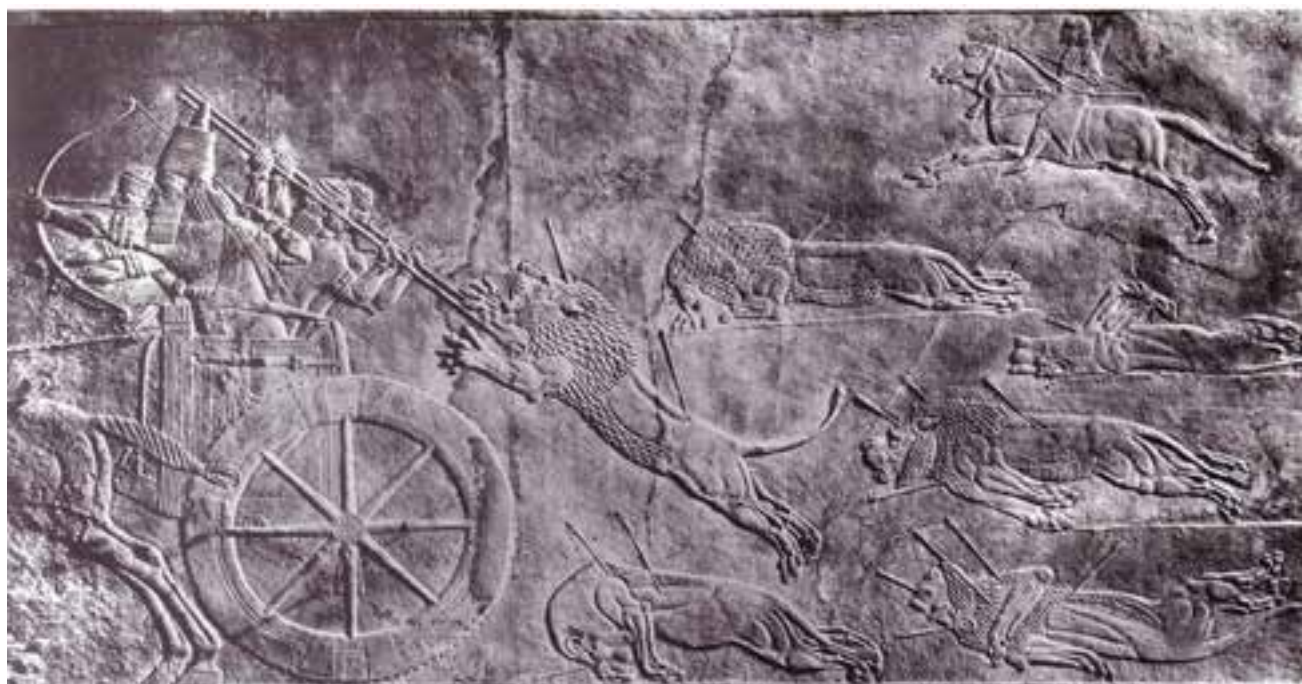
در برخی آثار نیز به موجودات اساطیری متشکل از اجزای انسان و حیوان برمی‌خوریم (تصویر ۱۷-۳) نوع ایستادن رسمی و با وقار این موجود حکایت از ویژگی نمادین و آئینی آن دارد که کاملاً با شیوه‌ی ارائه‌ی شیرهای دو تصویر گذشته متفاوت است.

در تصویر (۱۸-۳) سارگون دوم، پادشاه آشور را می‌بینیم که بزی را به قربانگاه می‌برد. نوع ایستادن پادشاه و حالت موقر و رسمی بز، هر دو با اجرای مناسک مذهبی که در آن «بز» به پیشگاه یکی از خدایان قربانی می‌شده هم‌سوئی و یکنواختی دارد.

برای آشنایی با یکی از نمونه‌های کاملاً سه بعدی هنر آشوری می‌توان به تصویر (۱۹-۳)، که نشان دهنده‌ی پیکره بزرگ از آشور نصیر پال دوم (از پادشاهان آشوری) است، اشاره کرد.



۱۴-۳- تعقیب دشمن توسط کمانداران آشوری، نقش برجسته کاخ آشور نصیرپال دوم، نمرود، عراق، ۸۶۰-۸۷۵ ق. م.، بلندی ۷۰×۲۵



۱۵-۳- آشور بانیهال در حال شکار شیر، نقش برجسته کاخ آشور بانیهال، نینوا، عراق، ۶۴۰-۶۴۵ ق. م.



۱۷-۳- موجود اساطیری بالدار با سر عقاب (نماد روح محافظ) در مقابل درخت مقدس ، سده ۹ ق . م ، بلندی حدود ۱۰۰ سانتی متر



۱۶-۳- ماده شیر در حال مرگ ، نینوا، حدود ۶۵۰ ق . م ، سنگ آهک ، بلندی هیكل شیر ۳۶ سانتی متر



۱۹-۳- پیکره آشور نصیرپال دوم ، کلاخ ، سده ۹ ق . م ، بلندی ۲۸۸ سانتی متر



۱۸-۳- نقش برجسته سارگون دوم پادشاه آشور در حال حمل بز قربانی ، سده هشتم ق . م ، بلندی ۲۶۳ سانتی متر

بابل نوین (بین سال های ۶۱۲ تا ۵۳۹ ق.م)

گستره فرمانروایی آشور در حدود سده ۷ قبل از میلاد با هجوم اقوام مختلف از جمله مادها سقوط کرد و در میان رودان پس از افت و خیزهایی چند ، دوره کوتاهی از شکوفایی و اوج را تحت فرمانروایی «بخت النصر» گذراند. این دوره‌ی کوتاه به عهد حکومت « بابل نوین» مشهور است . در همین عهد نوع جدیدی از معماری با آجر لعابدار رواج یافت.

« دروازه ایشتار» (تصویر ۲۰-۳) به دستور بخت النصر در بابل بنا گردید، نمونه‌ای عالی از روش نوینی است که بر دیوارهای رنگین آن (که به آجرهای لعابدار آبی و سبز و زرد و سفید و سیاه ... مزین بود) نقش برجسته‌های انواع جانوران حقیقی و اسطوره‌ای، چون شیر و گاو و اژدها قرار داشته است. هزاران آجر لعابدار دروازه ایشتار که تا چندی پیش در اثر فروریختن، پراکنده و هریک به کناری افتاده بود، اکنون جمع آوری و بازسازی شده است.

از دیگر آثار منسوب به دوران بابل نوین برج معلق بابل^{۱۰} (تصویر ۲۱-۳) است که اثری از آن بر جای نمانده است ولی این برج یکی از عجایب هفت‌گانه قدیم می باشد.

هیتی ها (حدود ۱۲۰۰ تا ۱۶۴۰ ق. م)

یکی از تمدن های حوزه آناتولی (ترکیه امروزی) متعلق به اقوام هیتی (حتیان) است که به اوج قدرت رسیدند . این اقوام که استخراج آهن به آنها نسبت داده شده است ، توانستند به قدرتی دست یابند و در حدود



۲۱-۳- طرح نقاشی شده خیالی برج معلق بابل



۲۰-۳- دروازه ایشتار (بازسازی شده) ، آجر لعابدار ، بابل ، ۵۷۵ ق . م

۱۰. این برج مشهورترین زیگورات یا برج چند طبقه بین النهرین است که کاملاً ویران شده و به احتمال زیاد این برج توسط بخت النصر (نبوکد نصر) برای همسر ایرانی خود سمیرامیس دخترکیاکزار (فرمانروای ماد) ساخته شده است.



۲۲-۳- دروازه شیران ، بغازکوی ، تمدن هیتی ها ، هزاره دوم ق. م ، ترکیه کنونی

سال ۱۵۹۵ پ. م کشور بابل را از چنگ اقوام باستانی آناتولیا درآوردند و پس از شکست اقوام میتانی (ساکنان محدوده سوریه و فلسطین) که هم پیمانان مصر به شمار می آمدند ، نیروی خود را متوجه سرزمین مصر کردند و موفق شدند در زمان توت عنخ آمون و پس از او بخش های عمده ای از سرزمین مصر را تسخیر نمایند . این قوم به سبب داشتن روحیه ی خشن و جنگاوری ، آثار هنری اندکی از خود بجای گذاشتند که مهم ترین اثر هنری آنان "دروازه شیران" (تصویر ۲۲-۳) در منطقه بغاز کوی در ترکیه امروزی است و به حدود ۱۴۰۰ ق. م مربوط می شود که مشابه این دروازه در طرفین دروازه های کاخ آشوریان و حتی دژ میسنی ها در تمدن یونان نیز دیده شده است.

پرسش

- ۱- نخستین دولت شهر توسط چه قومی در میان رودان به وجود آمد ؟دیگر کارهای مهم این قوم را نام ببرید.
- ۲- زیگورات به چگونه بنایی گفته می شود ؟ویژگی و کاربرد آن چه بود؟
- ۳- چه عواملی باعث شده است که میان رودان را یکی از خاستگاه های تمدن بشری بدانند؟
- ۴- ساخت برج و بارو و استحکامات شهر ها در سومر حکایت از چه امری دارد؟
- ۵- ویژگی های مهم پیکره های سومری را ذکر کنید؟
- ۶- اولین سلسله ی منسجم پادشاهی بین النهرین مربوط به چه دوره ای است و آثارشان چه خصوصیتی دارد؟
- ۷- تندیس "گودا" مربوط به چه دوره ای است و دارای چه خصوصیتی می باشد؟
- ۸- لوح حمورابی به دستور چه کسی ساخته شد و دارای چه ویژگی هایی است ؟
- ۹- کدام هنر در زمان آشوریان رواج پیدا کرد؟ و این هنر در چه بناهایی به جا مانده است؟
- ۱۰- تصاویری از نقش برجسته های آشوری و مصری جمع آوری کنید و آن ها را با یکدیگر مقایسه نمایید.
- ۱۱- نقش حیوانات را در آثار آشوری بررسی کنید.
- ۱۲- در عهد حکومت "بابل نوین" چه تغییری در معماری رخ داد؟ با ذکر یک نمونه توضیح دهید.
- ۱۳- دروازه ی شیران مربوط به چه تمدنی است ؟درمورد آن توضیح دهید.

فصل چهارم هنر و تمدن مصر



ح ۳۰ ق م

سلسله های متاخر و
سلسله های ایرانی

ح ۷۴۷ ق م

پادشاهی جدید

ح ۱۵۵۰ ق م

پادشاهی میانه

ح ۲۰۵۵ ق م

پادشاهی کهن

ح ۲۶۸۶ ق م

دوره نوسنگی

ح ۳۱۰۰ ق م

ANCIENT EGYPT

Mediterranean Sea

اسكندريه Rosetta
Alexandria

Naukratis

Avaris

مصر سفلي

جيزه Gizeh
سقاره Saqqara

Heliopolis

Memphis

فايوم FAIYUM
Gurob

عمقيس

صحراى سينا

Sinat Pen.

Bahariya Oasis

بنى حسن Beni Hasan

تل امارنه Tell el-Amarna

دير البحرى Deir el-Bahri

Thebes

كارناك Karnak

Luxor

ليس

مصر عليا

هيراكونبوليس Hierakonpolis

Edfu

هيراكونبوليس

Aswan

ابوسمبل Abu Simbel

Red Sea

New Kingdom
1550 – 1070 B.C.

NUBIA

PUNT



فصل چهارم

هنر و تمدن مصر

اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- خصوصیات هنر مصر را شرح دهد.
- ۲- تأثیرات و ارتباط اعتقادات دینی و آثار هنری را در آثار آن ها شرح دهد.
- ۳- اشتراکات و تفاوت های هنر مصر و میان رودان را شرح دهد.

هنر و تمدن مصر

مصر با تاریخی نسبتاً آرام که کمتر تحت هجوم قرار گرفته، توانست در زمینه های هنری هویتی مستقل و باثبات و دست نخورده را برای مدتی بسیار طولانی حفظ نماید.

رود نیل در طول تاریخ منشأ آبادانی و منبع حیات این سرزمین و ساکنان آن بوده است. با توجه به اینکه این رودخانه نوار سبز و حاصلخیزی را در این پهنه خشک و سوزان بیابان های شمال شرقی افریقا ایجاد نموده، می توان به جرأت آن را شاهرگ حیاتی تمدن مصر دانست.

ساکنین مصر از دو نژاد مختلف بوده اند. در قسمت شمالی، در دلتای نیل انسانهایی از نژاد آسیایی با صورتهای گرد و پوستهای روشن می زیسته اند و زندگی چوپانی و چادرنشینی در مصر سفلی داشته اند (تصویر ۱-۴). الهه حامی آنان مارکبرا(بوتو) و نشان سلطنتی آنان زنبور عسل و تاج قرمز رنگ و گیاه مقدسشان پاپیروس بوده است.



۴-۱- شیخ البلد ، نگهبان پادشاه در جهان دیگر، از جنس چوب ، سقاره ، ۲۳۵۰-۲۴۵۰ ق .م، تقریباً ۱۰۷ سانتی متر موزه مصر

ساکنین قسمت جنوبی (دره‌ی نیل) مردمی با مجموعه‌ها و صورتهای کشیده و پوست‌های قهوه‌ای از نژاد آفریقائیان بوده‌اند (تصویر ۲-۴)، که مورد حمایت الهه‌ی کرکس (نخبیت) و با نشان سلطنتی گیاه سعد کوفی



۲-۴- سردیس، مصر ۱۳۳۵-۱۳۵۳ ق. م، چوب، طلا، نقره، لاجورد و گچ

و تاج دوکی شکل سفید رنگ و گیاه مقدسشان نیلوفر آبی یا لوتوس است که پس از اتحاد هر دو مصر از همه این نمادها در مجسمه‌ها استفاده می‌شد.

این دو نژاد ابتدا حکومت‌های مجزا داشته‌اند و در نتیجه سرزمین مصر به لحاظ مسیر جریان رود نیل از جنوب به شمال به دو قسمت مصر علیا (نژاد آفریقایی) و مصر سفلی (نژاد آسیایی) تقسیم شده بود. نارمر^{۱۱} که در این ایام حکمران مصر علیا و فرماندهی مقتدر بود توانست حدود سال ۳۱۰۰ ق. م با تسلط بر مصر سفلی اتحادی میان دو منطقه بوجود آورد و تاریخ مدون و مستند مصر هم از همین زمان شروع می‌شود. در میان این ادوار گاهی کشمکشهای سیاسی و نظامی نیز رخ می‌داد لیکن این تنش‌ها چنان ناچیزند که ما در هنر مصر در طول قریب به ۲۰۰۰ سال نوعی یگانگی در موضوع و بیان مشترک مشاهده می‌کنیم. هنر

مصر را در عهد کهن می‌توان اجمالاً با صفات «دینی»، «ابدیت‌گرا»، «کاهنی» و «ایستا» توصیف کرد. باید بدانیم که قدرت دین در مصر باستان با قدرت پادشاهان یکی بوده، چرا که پادشاهان مصر خود را برخوردار از نیروی الهی می‌دانسته‌اند. به پادشاهان مصر باستان فرعون^{۱۲} می‌گفتند و فراعنه موجوداتی جاودانی تلقی می‌شدند که در مقررات جاری در عالم هستی و حیات طبیعی مشارکت داشته‌اند. به همین دلیل است که آثار هنری مصر باستان در بیشتر موارد در نقش برجسته‌ها و تندیس پادشاهان و ملکه‌ها (پیکرتراشی)، به شکل مقابر پادشاهان (معماری) و تصویرگری مربوط به زندگی ایشان در این جهان یا جهان پس از مرگ (نقاشی) جلوه‌گر می‌شود.

Narmer. ۱۱

۱۲. فرعون در لغت به معنی اتاقی بزرگ است.

پادشاهی نخست و کهن

از قدیمی‌ترین آثار به جای مانده از هنر مصر، لوحی سنگی است که به عهد « نارمر » مربوط می‌شود (تصاویر ۳-۴ و ۴-۴). این لوح کوچک در زمان این پادشاه و آغاز نظام منسجم و متحد مصر اطلاعات ارزنده‌ای به ما می‌دهد. در تصویر (۳-۴) نارمر را با تاج مخصوص مصر علیا (دوکی شکل) می‌بینیم. شخصی که در جلوی پای شاه نارمر با خفت نشسته و شاه با دست، موی پیشانی او را گرفته معرفت قوای مغلوب مصر سفلی است. در قسمت پایین لوح دو تن از دشمنان (قوای مصر سفلی) را در حال فرار می‌بینیم.

طرح پشت لوح (تصویر ۴-۴) نمایی است جزئی تر از همان حادثه با گستردگی بیشتر. در بالای سمت چپ لوح « نارمر » را این بار با تاج مصر سفلی، می‌بینیم که در اینجا به معنای پیروزی بر شمال مصر است (ظاهر شدن شاه نارمر در دو سوی یک لوح واحد با دو تاج مختلف از شمال و جنوب مصر خود مفهوم وحدت میان این دو ناحیه را که به دست او انجام شده، می‌رساند). چندتن در جلوی شاه در حالی که



۴-۴- لوح سنگی شاه نارمر (پشت لوح)



۴-۳- لوح سنگی (روی لوح) شاه نارمر، حدود ۳۱۰۰ ق. م، موزه مصر، قاهره



۴-۵- کارمند تشریفاتی دربار شاه زوسر - هزاره سوم ق. م. ، سفاره



۴-۶- مجسمه سازان در حال کار نقش برجسته ، سفاره ۲۱۷۰-۲۳۴۰ ق. م موزه ی مصر ، قاهره

پرچم‌ها و نشان‌هایی به دست دارند در حرکت اند و در مقابل (در سمت راست) عده‌ای از دشمنان را می‌بینیم که سرشان از تن جدا و میان پاهایشان نهاده شده است. در بخش وسطی، دو جانور اسطوره‌ای گردنهای بلندشان را به نشان اتحاد درهم پیچیده‌اند و در پایین‌ترین قسمت هم گاوی اسطوره‌ای و قدرتمند، پادشاه مصر سفلی را لگد کوب می‌کند. طرح‌های دو سوی این لوح مانند یک سند تاریخی وقایع زمان خود را ثبت کرده است. وجود عنصر نمادین و اسطوره‌ای، مانند سرگاو (در دو سوی بالای لوح) و شاهین به منظور تأکید بر ماورای طبیعی بودن این پیروزی دنیوی است.

نوع ترسیم و ساخت و ساز بدن در اکثر نقش برجسته‌ها تابع روش خاصی است. مطابق این روش صورت همواره از نیمرخ، بالاتنه از روبرو و پایین تنه، از نیمرخ نشان داده می‌شوند. فاصله پاها و نوع ایستادن به گونه‌ای است که وزن بدن به طور مساوی بر روی پاها پخش می‌شود و در نتیجه ترکیب ایستادن بسیار استوار و با وقار خواهد بود که به آن روش قراردادی نمایش تصاویر می‌گویند (تصویر ۵-۴).

نباید تصور کنیم که این روش ناشی از ناآگاهی هنرمندان مصر باستان از قوانین تصویرگری طبیعی است. برعکس آثار گوناگون و زیادی وجود دارد که از دانش و مهارت هنرمندان آن عهد حکایت می‌کند. تصویر (۶-۴) نقش برجسته‌ای است مربوط به هزاره‌ی سوم ق.م که مجسمه‌سازان را در حال کار نشان می‌دهد. در این تصویر می‌بینیم که بدن‌ها به طور طبیعی و منطبق بر نوع کاری که انجام می‌دهند تصویر شده‌اند. این نقش برجسته و آثاری از این قبیل از یک سو دلالت به تسلط هنرمندان نسبت به کالبد شناسی انسان دارد و از سوی دیگر با مطابقت و مقایسه‌ی آثار می‌توان دریافت که «روش قراردادی نمایش تصاویر» در مورد مضامین رسمی، مذهبی و موضوعات مربوط به شاهان رعایت می‌شده است.

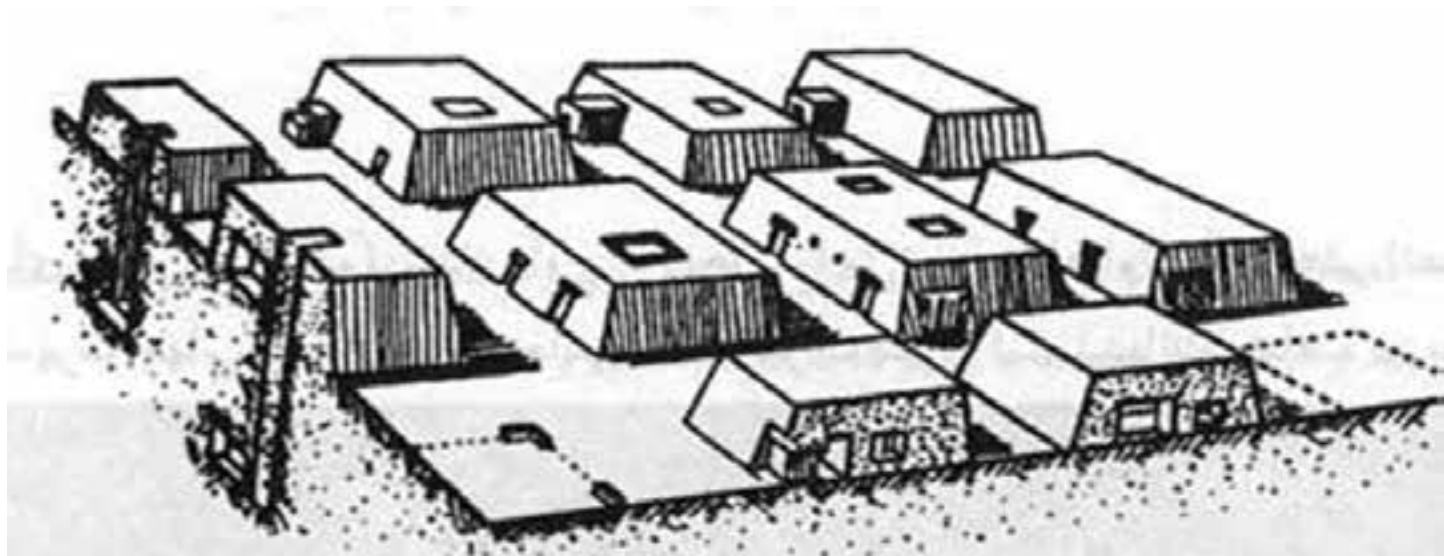
گفتیم که هنر مصر کهن از اساس، هنری است دینی و ابدیت‌گرا، بدین

معنی که مهم‌ترین پدیده‌های زندگی انسان‌ها آن وقایعی بوده که به نوعی با ماورای طبیعت ارتباط داشته است. در این میان «مرگ» به عنوان مرز اتصال و دروازه ورود به جهان دیگر اهمیتی استثنایی دارد. به همین جهت برجسته‌ترین آثار معماری به جای مانده را مقبره‌ها و معابد تشکیل می‌دهند. از بنای منازل مسکونی و ساختمانهای عادی اثری باقی نمانده است چرا که این بناها اغلب از تنه درخت و نی ساخته می‌شدند.

لازم است بدانیم که نوع ساخت مقابر و بناهای دینی، ارتباط مستقیمی با تلقی انسانها از مرگ و جهان آخرت دارد. در سنت کهن مصر، اعتقاد بر این بود که هر انسان جفتی اسرارآمیز به نام «کا» دارد که نیروی حیات اوست. «کا» که می‌توانیم آن را یکی از تجلیات «روح»، یا «همزاد» بدانیم، پس از مرگ به حیات خود ادامه می‌دهد ولی برای بقا، هنوز به جسم مادی احتیاج دارد. از این رو نیاز به حفظ و نگهداری که آن را جایگاهی برای «کا» تلقی می‌کردند، رفته رفته به مطالعاتی علمی در خصوص چگونگی جلوگیری از فاسد شدن بدن مرده رهنمون شد که در نتیجه ی آن «فن مومیایی کردن» اختراع گردید.

چون مصریان بر این باور بوده‌اند که انسان پس از مرگ همچون زندگی دنیایی، به لوازمی نیاز دارد، کلیه لوازم زندگی، زیورآلات، اثاثیه، پول و جواهرات قیمتی و حتی سگ و گربه‌های مومیایی شده همراه متوفی در مقبره قرار داده می‌شد. تابوتها از جنس چوب بود و سپس روی آنها را رنگ آمیزی می‌کردند و به نوشته‌ها و تصاویر شخص متوفی می‌آراستند.

دیوار مقابر هم با نقاشی و نقش برجسته‌هایی از تمثال و وقایع زندگی متوفی تزیین می‌شد. ابتدایی‌ترین شکل مقبره‌ها به صورت سکویی ساده با وجوه جانبی شیبدار بود که آنها را مصطبه می‌نامیدند (تصویر ۷-۴). این



۷-۴- طراحی از مجموعه ی مصطبه‌ها

شکل رفته رفته متحول شد و به صورت هرم پله‌ای در مقبره شاه زوسر در آمد (تصاویر ۸-۴ الف و ب) و همچنین هرمهای پلکانی هم متحول شدند. اوج این تحول را می‌توان در اهرام سه‌گانه مصر (تصویر ۹-۴) که شهرت جهانی دارند و جز عجایب عالم و میراث بشری ثبت شده‌اند، مشاهده کرد.



۸-۴ ب - طراحی از مقبره شاه زوسر ، ترکیب ۶ مصطبه به صورت هرم پلکانی



۸-۴ الف - مقبره شاه زوسر ، سال ۲۷۵۰ ق م ، از جنس آهک واقع در سقاره ی مصر



۹-۴- اهرام سه گانه ی مصر ، ۲۴۷۲-۲۴۹۰ ق م . هرم منکورع ، ۲۴۹۴-۲۵۲۰ ق م . هرم خفرع ، ۲۵۲۸-۲۵۵۱ ق م . هرم خوفو ، مصر ، گیزه (جیزه)

معماری مصر که مصالح آن در آغاز چوب و سپس خشت خام بود، رفته رفته به معماری سنگی تبدیل شد و از شکل مصطبه‌های کوتاه به اهرام حجیم و بلند تبدیل شد.

کنار اهرام، مجسمه عظیم ابوالهول با ارتفاع ۲۰ متر قرار دارد که در نظر بسیاری از اهل فن، جذاب‌تر و با ابهت‌تر از اهرام است. این مجسمه شیر نشسته که سر انسانی آن بازسازی شده به احتمال چهره «خفرع»، یکی از فراعنه قدرتمند مصر است، شاید عظیم‌ترین اثری است که برای به نمایش گذاشتن شوکت و قدرت یک فرمانروا تا کنون ساخته شده است (تصویر ۱۰-۴).

پیکرتراشی نیز یکی از هنرهایی است که در این دوره رواج داشته است و از ابتدایی‌ترین ایام حکومت فراعنه با دقت و اهمیت وافر پیگیری می‌شد از این رو در اندک زمانی به اوج زیبایی و رشد رسید. علت نیل به چنین اعتلایی را می‌بایست باز هم در ارتباط این آثار با عالم پس از مرگ جستجو کرد. مجسمه‌ها در



۱۰-۴- ابوالهول (اسفنکس بزرگ)، بلندی ۲۰ متر، حدود ۲۵۲۰ ق. م.، مصر، گیزه (جیزه)

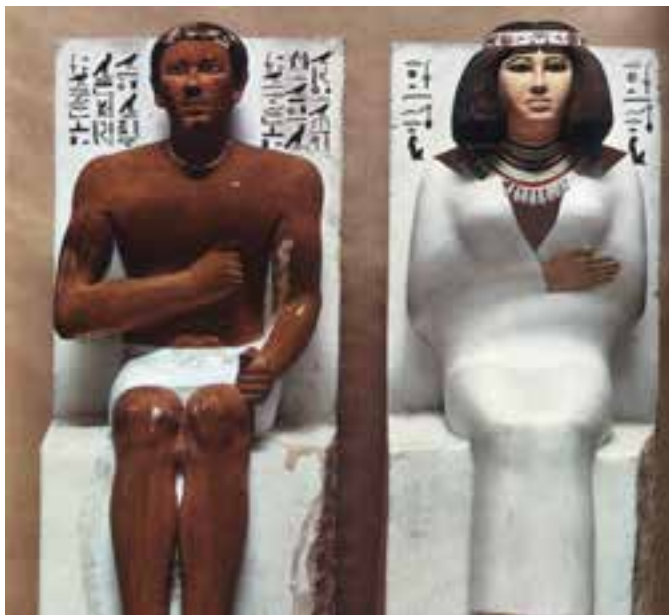


۱۱-۴- تندیس شاه زوسر، سال ۲۷۵۰ ق. م. ، بلندی ۱۳۸ سانتی متر ، موزه ی مصر ، قاهره

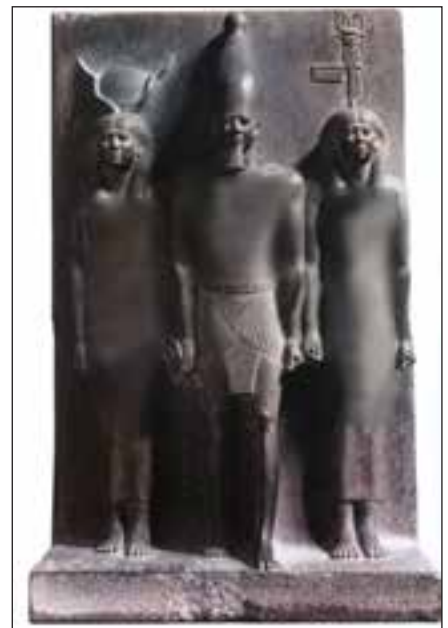
بسیاری از موارد بخشی از مقبره به شمار می‌رفتند و به عنوان کالبد ثانوی فرد متوفی تلقی می‌شدند ، بدین معنی که چنانچه در بقای جسد (به رغم مومیایی کردن و روشهای دیگر) خللی پیش می‌آمد ، تندیس متوفی می‌توانست چون جسم اصلی، جایگاهی برای اقامت و بقای «کا» باشد. به همین خاطر دقت بسیاری در شبیه‌سازی تندیسها انجام می‌شد. مجسمه‌ها در عین شباهت به متوفی دارای وقار و شوکتی در خور فراعنه و حالتی عمیق و ایستا شایسته‌ی عالم خدایان بودند. نوع نشستن یا ایستادن این تندیسها همواره با متانت و قدرت و تعادل توأم است(تصویر ۱۱-۴).

در برخی از این تندیسها حضور شخصیتها و نمادهای آسمانی همچون الهه‌های نگهبان تأکیدی مضاعف بر قدرت خدایی فراعنه است(تصویر ۱۲-۴).

در بعضی از تندیسها هنر نقاشی و مجسمه‌سازی به کمک هم شتافته اند تا اثر نهایی جلوه ای طبیعی تر پیدا کند. به عنوان مثال در تندیس شاهزاده رع حوتپ و همسرش نوفرت(تصویر ۱۳-۴) که از جنس سنگ آهک ساخته شده، موها، ابروها و مژه‌ها و پوست بدن به صورت طبیعی رنگ‌آمیزی شده است. از رنگ لباس، نوع تزئینات(گردنبند و نوار پیشانی) ملکه می‌توان اطلاعات ارزنده‌ای در مورد نوع آرایش و زیور آلات آن عصر بدست آورد. ضمناً با مراجعه به آثار مختلف، از تندیس و نقش برجسته و نقاشی می‌توان به طرز خاص لباس پوشیدن فراعنه، ریش مصنوعی آئینی، نوع خاص سربند که آنها را از دیگر افراد متمایز ساخته و همچنین حالات چهره پی برد.



۱۳-۴- شاهزاده رع حوتپ (راحتپ) و همسرش نوفرت ، ۲۶۱۰ ق. م. ، سنگ آهک رنگ آمیزی شده ، بلندی ۱۱۸ سانتی متر ، موزه مصر ، قاهره



۱۲-۴- شاه منکورع در میان دو الهه ی نگهبان، از دره ی منکورع واقع در گیزه (جیزه)، ۲۷۵۰ ق. م. ، ارتفاع ۹۳ سانتی متر، موزه مصر ، قاهره

پادشاهی میانه و جدید

فراعنه مصر در اواخر عهد پادشاهی کهن با مشکلات سیاسی روبرو شدند. فرمانرویان محلی علیه فراعنه طغیان کردند و با کم شدن قدرت فرعونها ساختن مقابر عظیم نیز به رکود و ایستایی رسید. این رکود حدود ۷۰۰ سال به طول انجامید. گرچه در اواخر دوره پادشاهی میانه فراعنه مصر توانستند قدرت از دست رفته را تا حدی احیا کنند، ولی آن شوکت و عظمت مقام فرعونی دیگر باز نگشت.

معماری مذهبی که در دورانی «مقبره» در آن رکن اساسی و «معبد» جز ثانویه را داشت رفته رفته به «معبد محوری» کشیده شد. معماری مذهبی در عهد پادشاهی جدید باز به شیوه و سبکی متفاوت شوکت و جلال خود را باز یافت. این بار هنرمندان معمار با دانش و ذوق از عظمت‌های طبیعی برای شوکت بخشیدن به معابد بهره گرفتند. به جای اینکه کوهی مصنوعی و عظیم (هرم) بسازند کوه‌های با شوکت تر طبیعت را محور قرار دادند و معبد را در هماهنگی با آن با درایت و دقت بسیار بنا کردند. بارزترین نمونه این رشد و اوج معبد-مقبره ملکه «حت شپسوت» است که در دوران پادشاهی جدید بنا شده است (تصاویر ۱۴ - ۴).



۱۴-۴- معبد مقبره ملکه‌ی حت شپسوت، واقع در دیر البحری، سده ۱۵ ق. م

در زمینه پیکر تراشی تابوتها نیز گاهی وارد قلمرو تندیسها می شوند. هنرمندان مصری برای محافظت از پیکر بیجان فرعون تابوت هایی به شکل شخص متوفی می ساختند. این تابوت ها اغلب از جنس چوب ساخته می شد سپس آنرا رنگ آمیزی می کردند و با زیورآلاتی می آراستند. در بعضی موارد جسم در چند تابوت تو در تو نهاده می شد (تصویر ۱۵-۴).

یکی از زیباترین و استثنایی ترین تابوت ها که هم از لحاظ هنری ارزشمند است و هم از لحاظ قیمتی بودن مواد و مصالح گنجینه ای بی نظیر به شمار می رود ، تابوتی است از طلای ناب مرصع به سنگهای قیمتی و مینا متعلق به فرعونی به نام «توت عنخ آمون» می باشد (تصویر ۱۶-۴) که در نوجوانی جان سپرد. ترکیب زیبای صورت که در آن طراوت جوانی متوفی منعکس گشته به همراه رنگ چشم گیر طلا که با تزئیناتی قیمتی به رنگهای قرمز، لاجوردی، فیروزه ای و سبز آراسته شده، ترکیبی در نوع خود بی نظیر ایجاد کرده است. البته واضح است که مجسمه های فراعنه به منظور حفظ وقار و شوکت ایشان و تأکید به مرتبه الهی پادشاهان همواره در آرمانی ترین صورت جسمانی طرح می شده اند (تصویر ۱۶-۴).



۱۵-۴- بخش هایی از تابوت توت عنخ آمون، طلای ناب مرصع شده بامینا و سنگهای قیمتی ، حدود ۱۳۶۰ ق.م. بلندی ۱۸۰ سانتی متر

۱۶-۴- تابوت توت عنخ آمون ، از تبس ، مصر بلندی حدود ۱۸۰ سانتی متر، موزهی مصر ، قاهره

همچنین می توان در آثار دیگری که تمثالهای غیر آئینی را با ترکیبات جسمانی مردم عادی به نمایش گذاشته اند ، به حالات واقعی و طبیعی افراد پی برد . مجسمه ی ایستاده ی شیخ البلد یا کتخدا (تصویر ۱-۴) و تندیس نشسته کاتب (تصویر ۱۷-۴) نمونه هایی از هنر مجسمه سازی غیر آئینی مصر باستان هستند .

چیزی که در کلیه تندیسها و سردیسهای مصر ، چه آئینی و چه غیر آئینی آشکارا به چشم می آید ، شناخت هنرمندان از کالبدشناسی ، استخوان بندی ، کشش عضلات و توانایی آنها در نمایش حالات چهره هاست .

در نقاشی مصری حجم بسیار زیادی از اطلاعات دقیق ، در آثاری مدبرانه ، زیبا و ارزشمند حفظ شده است . بخش عمده دانش ما در خصوص نوع معیشت ، شیوه ی لباس پوشیدن ، ابزار آلات و ظروف مورد استفاده و آئینهای مذهبی مصر کهن را می توان از آثار نقاشی به جای مانده در بیش از ۴۰۰۰ مقبره دریافت . از این رو نقاشی نسبت به آثار معماری و پیکرتراشی اهمیت بیشتری دارد . در اکثر نقاشیها روش قراردادی نمایش تصاویر رعایت شده است . موضوع نقاشی این تمدن کهن را می توان به سه طبقه ی کلی اسطوره ای ، آئینی و واقعه نگاری تقسیم کرد .



۱۷-۴- کاتب نشسته ، سنگ آهک رنگ شده از سقاره ، ارتفاع ۵۳ سانتی متر ، موزه ی لوور پاریس

در تصاویر اسطوره ای موضوع اثر ، جهان خدایان و وادی پس از

مرگ است . در این تصاویر فرد متوفی در ارتباط با خدایان و نیایش آنان ترسیم می شده است (تصویر ۱۸-۴) .

در نقاشی های آئینی ، توجه نقاش ، عمدتاً به مراسم سوگواری ، تشییع جنازه و مراسمی از این دسته

معطوف می شده است (تصویر ۱۹-۴) .

در این مراسم معمولاً خود متوفی نیز با سلامت جسمانی کامل در حال بهره مندی از لذت های دنیوی ، تصویر می شده (تصویر ۲۰-۴) و واقعه نگاری که به جلوه هایی از زندگی روزمره و ثبت حوادث رایج اختصاص داشته است . موضوعات واقعه نگاری طیف وسیعی از موضوعات ، از کشت و زرع ، شخم با گاو ، دامداری ، قصابی و ماهیگیری تا آرایش و تصویر جانوران مختلف و غذاهای گوناگون را در برمی گیرد (تصویر ۲۱-۴) .

میان نقاشیهایی که با موضوعات مذهبی و آئینی رسم شده اند و نقاشیهای واقعه نگاری تفاوت واضحی



۱۹-۴- مراسم تشییع جنازه ، نقاشی دیواری از مقبره ی راموس



۱۸-۴- نقاشی دیواری (فرسک) روی گچ نم دار ، ملکه در حال نیایش ، مقبره ی نفر تازی واقع در دره ی ملکه ها ، تبس



۲۰-۴- نقاشی دیواری روی گچ خشک(فرسک) از مقبره ی نبامون ، ۱۳۵۰-۱۴۰۰ ق. م. ، تبس ، مصر، موزه ی لندن

در نوع ارائه دیده می شود. به نظر می رسد نقاشان، به هنگام ترسیم آثار عامیانه، چون در قید و بند موضوع خاص، با دستورالعمل مشخصی نبوده اند، خلاقیت، نوآوری و آزادی بیشتری در ترکیب بندی و ارائه از خود نشان داده اند که این آثار را از لحاظ بصری بسیار جذاب می نماید. تصویر (۲۲-۴) نمونه بارزی از نوآوری، طرح آزاد و خلاقانه هنرمند است. طرح زیبا، روان و در عین حال طبیعت گرای ماهی ها بر روی زمینه ای از خطوط زیگزاگ آزاد و حاشیه های زیبا و بی تکلف، نقشی را آفریده که بسیار مدرن است. مطالعه ای این گونه آثار، چهره دیگری از هنر مصر را که آزاد و غیر آیینی است به ما می نمایاند.

آثار نقاشی مصری با گذشت زمان از وادی اسطوره و آئین پا فراتر گذاشت و به موضوعات این جهانی جدی تر پرداخت (تصویر ۲۳-۴). ثبت یک واقعه تاریخی، یعنی نبرد «توت عنخ آمون» یکی از فراعنه جوان مصر در هزاره دوم پیش از میلاد با سوری ها است. نوع ترکیب بندی، ریتم و ضرب آهنگ قرار گرفتن سم دو اسب اربه و آشفتگی صفوف دشمنان گرایش نقاشی را به شیوه های آکادمیک و رسمی نشان می دهد. در بالای سرتوت عنخ آمون وجود دو کرکس، خطوط هیروگلیفی و نمادهای دیگر، که همگی بر خلاف سپاه دشمن با انضباط و متانت تصویر شده اند، معرف اتصال این فرعون به عالم خدایان و استعانت او از قوای ماورای طبیعت است (تصویر ۲۳-۴).

در عین حال اگر این نقاشی را با طرح لوح نارمر (تصاویر ۳-۴ و ۴-۴) مقایسه کنیم در می یابیم که روح حاکم بر دو اثر کاملاً متفاوت است. موضوع هر دو جنگ با دشمن است و هر دو حاکم به نیروهای ماوراء طبیعت و اساطیر متکی هستند. لیکن نوع ارائه منضبط نقوش، نظم آیینی حاکم بر اجساد مردگان و ایستادن با وقار و محکم نارمر، حضور روح آیینی و غلبه ی جهان اساطیری را القا می کند. در صورتی که جنگ «توت عنخ آمون» نبرد این دنیایی با آزادی و آشفتگی ملموس زمینی است.

همین تفاوت را می توان در میان تندیسهای فراعنه، در ادوار مختلف مشاهده کرد. در تندیس



۴-۲۱- نقاشی دیواری از یک مقبره ی گمنام، کشت و زرع، حدود ۱۵۰۰ ق. م



۴-۲۲- نقاشی شکار و ماهیگیری، مقبره ی منا، ۱۴۲۲-۱۴۱۱ ق. م



۴-۲۳- صحنه نبرد توت عنخ آمون با سوری ها، نقاشی بر روی صندوق، ۱۳۵۰-۱۳۵۸ ق. م، موزه قاهره

شاه زوسر (تصویر ۱۱-۴) روح اساطیری و آئینی حاکم است و پیکره‌ی زیبا و مجلل توت عنخ آمون (تصویر ۱۶-۴) در عین اشاره واضح به عالم اساطیر، شکوه و جلال جهانی آشکاری را دارا است.

موضوعاتی که در این فصل به آنها پرداخته شد، همگی حاکی از یک هویت قوی حاکم بر هنر و تمدن مصر باستان است. هویتی که در هر حال به آئینهای دینی و شخصیت پادشاه یا فرعون به عنوان نماینده خدا بر روی زمین وابسته است. همین مبنا و محور مستحکم، از هنر این دوره پدیده‌ای استوار، قابل تمیز و قدرتمند ساخت که طی هزاران سال به رغم تحولات پدید آمده در آنها به راحتی از هنرهای دیگر بازشناخته می‌شود.

پرسش

- ۱- مشخصات دوزخ اصلی ساکنین مصر باستان را ذکر کنید.
- ۲- تاریخ مدون و مستند مصر از چه زمانی آغاز شد؟ توضیح دهید.
- ۳- هنر عهد کهن مصر را با چه صفاتی توصیف می‌کنند؟
- ۴- لوح نارمر چه چیزی را به تصویر کشیده و از چه نظر ارزنده است؟
- ۵- روش قراردادی نمایش تصاویر در هنر مصر باستان را توضیح دهید؟
- ۶- چه تفکری باعث شد که مصریان فن مومیایی را اختراع کنند؟ توضیح دهید.
- ۷- سیر تحول ساختار مقابر در مصر باستان را به اختصار شرح دهید.
- ۸- با ذکر یک مثال، در مورد نحوه‌ی شکل‌گیری معبد و مقبره‌ها در مصر باستان توضیح دهید.
- ۹- دو نمونه از هنر مجسمه‌سازی غیر آئینی مصر باستان ذکر کنید.
- ۱۰- در مورد ارزش آثار نقاشی مصر باستان و تنوع موضوعات آن توضیح دهید.
- ۱۱- در مورد تفاوت‌های اثر تاریخی "نبرد توت عنخ آمون" و "لوح نارمر" در کلاس گفت‌گو کنید.

فصل پنجم

هنر شبه قاره هند



دوره جدید

ح ۱۸۵۷ م

دوره مغول

ح ۱۲۰۰ م

سلسله چولا

ح ۷۵۰ م

فرمانروایی گوپتا و

سلسله پالاوا

ح ۲۵۰ م

فرمانروایی موریایی و

فرمانروایی کوشانی

ح ۴۰۰ ق. م

ورود آریایی ها

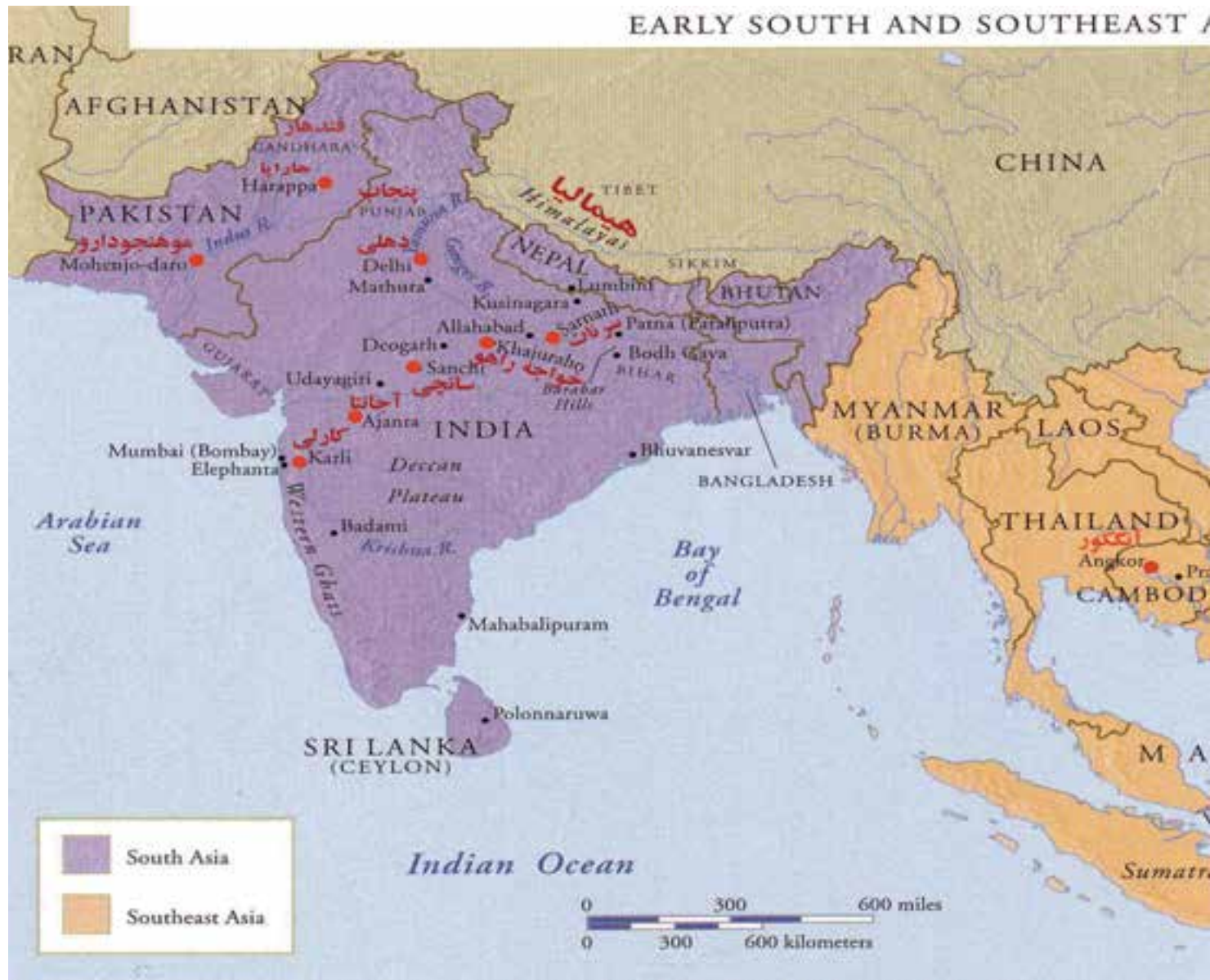
تمدن رودخانه گنگ

ح ۱۵۰۰ ق. م

تمدن دره سند

ح ۲۵۰۰ ق. م

EARLY SOUTH AND SOUTHEAST ASIA





اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- عوامل و عناصر شکل گیری هنر شبه قاره هند را توضیح دهد.
- ۲- سه دوره ی هنر و تمدن شبه قاره ی هند را نام ببرد.
- ۳- نمودارها و آثار هنری را در دوره پیش از آریائیان شرح دهد.
- ۴- ویژگی های هنر اسلامی هند را شرح دهد.

هنر و تمدن شبه قاره هند

سرزمین هند یکی از مناطق مهم تاریخ تمدن بشری است که روزگاری عرصه ی ظهور چند تمدن عظیم و دین بنام جهان بوده است. از این سرزمین در بسیاری از موارد با نام « شبه قاره » یاد می کنند که این خود از عظمت این سرزمین پهناور حکایت دارد.

هنگامی که در وادی هنر و تمدن از هند نام برده می شود ناحیه ای وسیع را در برمی گیرد . که شامل کشورهای کنونی هندوستان، پاکستان، نپال، بوتان، بنگلادش، سریلانکا و بخشی از افغانستان است. این سرزمین که به حق سرزمین عجایب نام گرفته، تاریخی پر نشیب و فراز دارد، اقوام مختلف از نژادهای



۱- ۵ - یکی از صفحات نسخه مصور بوستان سعدی، کتابت، تصویر و تذهیب شده در هند، دوره اسلامی

گوناگون، با اعتقادات و آیینهای دینی متفاوت در طول تاریخ به این سرزمین کوچ کرده یا بر آن هجوم برده‌اند. اما در نهایت همگی پس از دوره‌هایی از تنش، به نوعی همزیستی آرام و مسالمت آمیز و درک چند جانبه رسیده‌اند. برخی از هند شناسان خصلت همزیستی مسالمت آمیز و تقریب بین ادیان را از ویژگیهای بارز و ممتاز خاک سرزمین هند می‌دانند. سیر تاریخ ادیان و مذاهب در هند، این سرزمین را از بسیاری از تمدنهای دیگر ممتاز می‌سازد^{۱۳}.

هند و ایران از هزاران سال پیش تاکنون وجوه مشترکی داشته‌اند. تشابهات بسیار میان «اوستا» (کتابهای دینی کهن ایرانیان) و «وداها» (کتاب مقدس هندوان) به وجود اصل و منشأ مشترک گواهی می‌دهد. تشابه بسیاری از نام شخصیت‌های موجود در این کتابها و هویت ایشان از مواردی است که به هم اصل بودن ایرانیان و هندیان گواهی می‌دهد. این ارتباط به حدی نزدیک بوده که قریب به هشتصدسال از تاریخ هند، زبان فارسی، زبان علم و ادب به شمار می‌رفته و قریب به چهار صد سال زبان رسمی هند بوده است. بسیاری از آثار هنری و میراث فرهنگی هند را نسخه‌های خطی (تصویر ۱-۵) دیوان های شعرای بزرگی چون حافظ و سعدی و فردوسی تشکیل می‌دهد.

بناهای تاریخی معروف اسلامی چون «تاج محل» (تصویر ۲-۵) توسط مهندسان ایرانی طراحی شده و با خط زیبای خوشنویسانی ایرانی آراسته است.

هنر و تمدن سرزمین هند را به طور اجمال می‌توان به سه دوره تقسیم کرد.

الف: دوره پیش از آریائیان

ب: دوره آریائیان

ج: دوره اسلامی

هر سه دوره‌ی فوق از اعصار درخشان تاریخ شبه قاره هند به شمار می‌روند.

الف: دوره پیش از آریائیان

کهن‌ترین تمدن مکشوفه شبه قاره هند که تمدن دره ی سند است، قدمت ۴۵۰۰ ساله دارد. از این جهت یکی از قدیمی‌ترین تمدنهای جهان به شمار می‌رود. این دوره از تمدن هند که از حدود سال ۲۵۰۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد در اوج شکوفایی بوده از اکتشافات سده بیستم است. تا قبل از این اکتشافات باستان شناسی که به کشف دو شهر مهم هاراپا^{۱۴} و موهنجودارو^{۱۵} انجامید (تصویر ۳-۵)، محققان از وجود تمدنی کهن تر از

۱۳. نگرش دینی بر سر تا سر تاریخ تحول هنر هند سایه افکنده است و لذا برای درک هنر شبه قاره نیل به دانش اجمالی در خصوص ادیان این منطقه ضروری است.

۱۴. Harappa

۱۵. Mohenjodaro



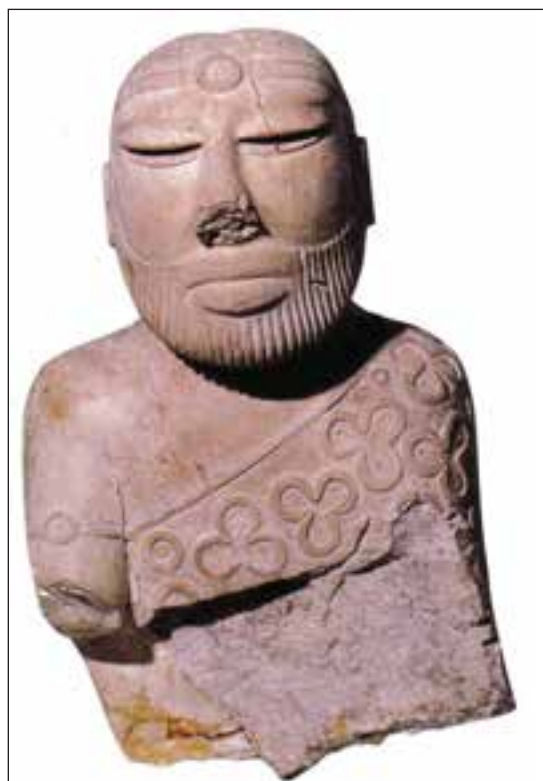
۲- ۵ - تاج محل، نمای جنوبی، کتیبه خطی

تمدن آریایی در منطقه بی اطلاع بودند.



۳-۵- طرح خیالی موهنجودارو بر اساس یافته های باستان شناسی، موزه موهنجودارو

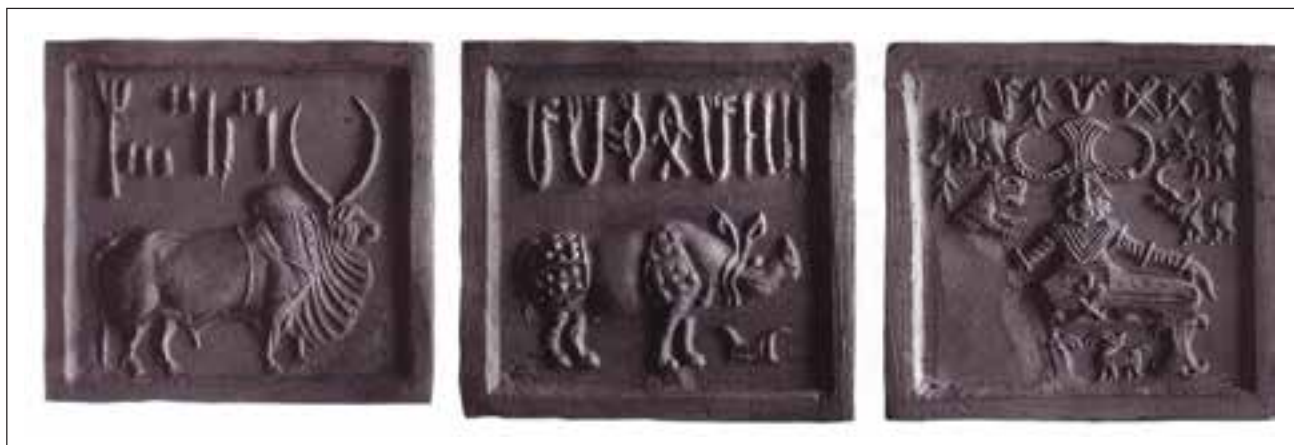
پس از انجام حفاریها و کشف شهر مهم «موهنجودارو» در ۱۹۲۱ میلادی پرده از وجود تمدنی بسیار پیشرفته برداشته شد. از ویژگیهای مهم این شهرها، وجود نقشه شهرسازی پیشرفته، سیستم فاضلاب شهری، خانه های دو تا سه طبقه با حیاط مرکزی، خیابان ها و کوچه های منظم وعمود بر هم، انبار غله برای توزیع ارزاق، یک استخر وسیع، بناهای ساخته شده از آجرهای کوره پز شده و بالاخره حصار اطراف شهر به بلندی ۱۳ متر را می توان نام برد، که به نظر می رسد شبیه به شهر سوخته در سیستان و بلوچستان می باشد.



ظروف سفالی، تندیسهای سنگی و مسی (تصویر ۴-۵) و بالاخره مهرهای کوچکی از جنس استاتیت یا سنگ صابون (تصویر ۵-۵) از آثار مهمی هستند که از حفاریهای تمدن دره سند بدست آمده است. بر روی این مهرها که اغلب سفید رنگ هستند، نقوش جانورانی چون فیل، گاو کوهاندار، کرگدن، ببر و ... با مهارت، استادی و آگاهی کامل از کالبد شناسی نقش گردیده اند.

مطالعه ی نقوش این جانوران از یک سو، تبحر هنرمندان ۴۰۰۰ سال پیش را به نمایش می گذارد و از سوی دیگر اشاره ای به وجود انواع جانوران نقش شده در محیط زیست انسان های آن دوران دارد. همین سندهای ساکت ولی گویا نشان می دهد که روزگاری، در منطقه ای که اکنون بیابان های خشک و شن های روان آنرا پوشانده، ناحیه ی حاصلخیزی بوده و در آن گیاهان و جانوران بیشماری وجود داشته اند.

۴-۵- پیکره ی کاهن شاه، تمدن دره ی سند موهنجو دارو، ۱۷۰۰-۲۵۰۰ ق. م
سنگ صابون (استاتیت)، موزه ی ملی پاکستان



۵-۵- مهرهای موهنجودارو، سنگ صابون، ۱۷۰۰-۲۵۰۰ ق. م، پاکستان

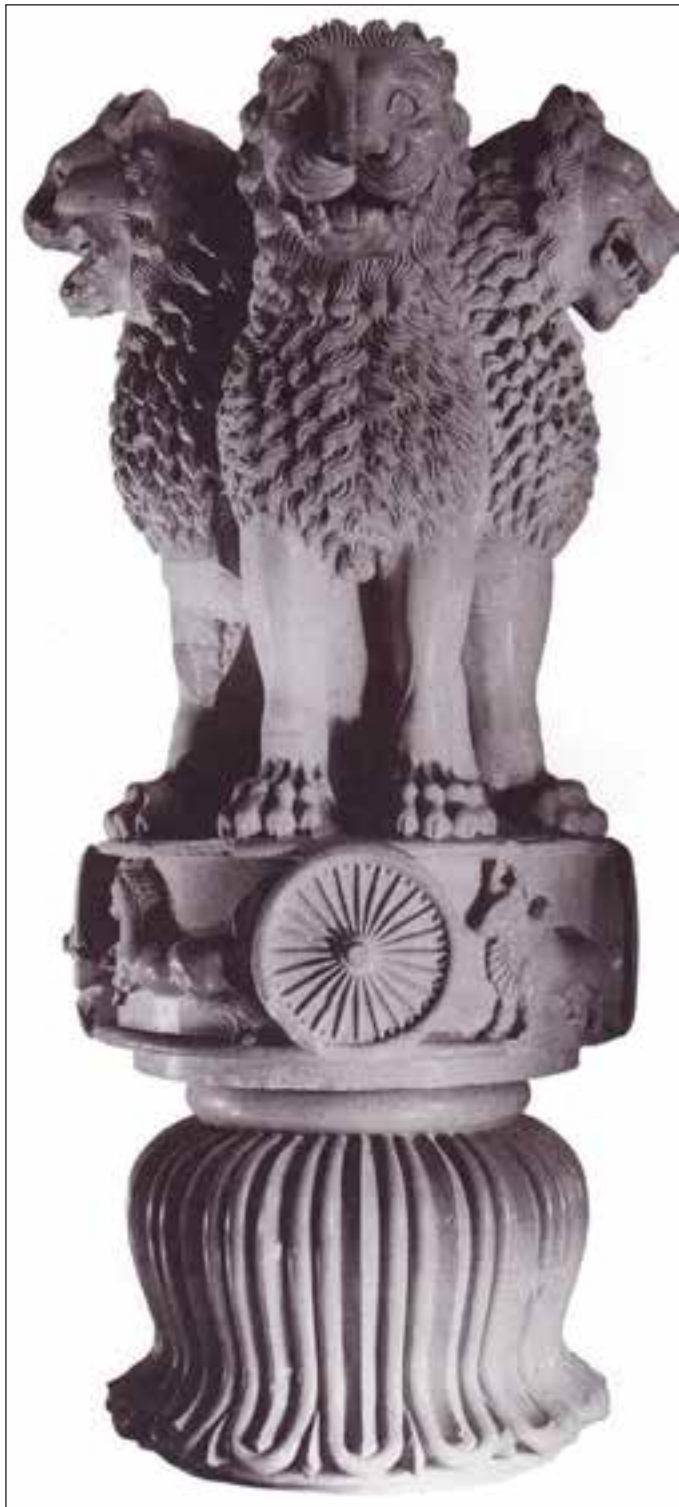
ب : دوره آریائیان

سلطه‌ی آریائیان در مناطق شمالی شبه قاره را حدود ۱۵۰۰ ق. م تخمین زده اند. شکل‌گیری تمدن آریایی مدتی طولانی (حدود هزار سال) از ۱۵۰۰ ق. م تا زمان ظهور بودا (۵۶۶ تا ۴۸۶ ق.م) به طول انجامید و از این جهت است که آثار هنری برجسته‌ای مربوط به این ایام بدست نیامده است. گرچه منابع مکتوب از وجود هنرهای چون نقاشی دیواری، تزئینات چوبی و آثاری از عاج، نقره، طلا و سنگ های قیمتی خبر می‌دهند لیکن نمونه‌هایی از این آثار یافت نشده است.

نخستین آثار ارزنده بدست آمده از دوره حکومت آریائیان (فرمانروایی موریایی) را ستونها و سرستونهای عهد حکومت امپراتور آشوکا (حکومت ۲۳۲-۲۷۳ ق. م) تشکیل می‌دهند. امپراتور آشوکا تحت تأثیر تعالیم بودا، این ستونها را در مکانهای مهمی که به زندگی بودا مربوط می‌شود برافراشت. این ستونهای سنگی که تا ۱۰ متر ارتفاع و گاهی تا ۵۰ تن وزن داشته‌اند و به روشی استادانه تراش و صیقل خورده‌اند. تکنیک ساخت این آثار با روش حجاریهای هخامنشی و آثار تخت جمشید نزدیکی بسیاری دارد و مطالعه تاریخ روابط ملل و تحقیقات هنری نشان داده است که این سرستونهای زیبا و معروفترین آنها که سرستون سرنات (تصویر ۶-۵) نام دارد یا به دست حجاران و معماران هخامنشی و یا زیر نظر مستقیم آنها، توسط هنرمندان بومی، ساخته شده‌اند.

از سده ۵ سوم قبل از میلاد تا حدود سده ۵ پنجم و ششم میلادی آثار هنری غالب در شبه قاره‌ی هند را آثار مجسمه سازی و معماری بودایی و هندویی تشکیل می‌دهند.

اولین نمونه‌های معماری بودایی استوپاها^{۱۶}، بودند. استوپا (تصویر ۷-۵) از یک پشته نیم‌کروی محکم و توپر ساخته می‌شد و محل نگهداری اشیا به یادگار مانده از بودا بوده است. بسیاری از این



۵-۶- سرستون آشوکا (چهار شیر و چرخ)، سنگ ماسه، سده سوم ق. م، سرنات، موزه‌ی باستان‌شناسی، هند

stupa.۱۶



۵-۷- استوپای بزرگ سانچی ، سده اول قبل از میلاد تا سده بعد از میلاد ، هند

بناهای یادبود در دوره حکومت آشوکا ساخته شده اند و طی مرور زمان در ابعاد بزرگتر بنا شده و به عنوان سبک معماری خاص بودایی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در زمینه هنرهای تجسمی، نقاشی‌های دیواری، نقش برجسته‌های سنگی و بالاخره تندیس‌های بودا (تصویر ۸-۵) عمده‌ی آثار هنری بودایی را تشکیل می‌دهد.

آئین هندویی نیز از آئین‌های کهن شبه قاره هند است که جزء ادیان آریایی به شمار می‌رود. این

آئین به عنوان دین غالب سرزمین هند هنوز رواج دارد و اغلب آثار هنری شبه قاره نیز به نوعی با همین دین مرتبط است. بنای معابد، تندیس‌های سنگی، فلزی و چوبی، نقش برجسته‌های مربوط به خدایان متعدد و نقاشی روی دیوار غارها و معابد آثاری هستند که به وفور در نقاط مختلف هند دیده می‌شوند (تصویر ۹-۵).

در آئین هندویی سه ایزد چرخش نظام هستی را به عهده دارند که خدایان اصلی را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: «برهما» ایزد خالق، «ویشنو» ایزد محافظ کائنات و «شیوا» ایزد نابودی (تصویر ۱۰-۵).

معابد هند عموماً به پرستش دو ایزد (ویشنو و شیوا) و تجلیات آنها اختصاص دارند. نمای خارجی این معابد چنان مملو از تندیس خدایان، تصاویری (به صورت نقش برجسته، پیکرتراشی و نقاشی)، شرح حال زندگی خدایان و جانوران اساطیری است که این معابد را به تندیسهای عظیم و پیچیده‌ای تبدیل کرده اند. به بیان دیگر این معابد تلفیقی از پیکرتراشی و معماری می‌باشد (تصاویر ۱۱-۵) معمولاً فضای داخلی آن اندک است و بیشترین تاکید بر جزئیات خارجی است.



۵-۸- بودای نشسته ، سنگ ماسه ، سده پنجم میلادی ، سرنات ، موزه ی باستان شناسی ، هند



۵-۱۰- شیوا در مقام نتاراجا (رقص کیهانی) ، سده ۱۰ میلادی ،
مفرغ



۵-۹- بخشی از یک نقش برجسته ی سنگی با
صحنه هایی از زندگی بودا ، سده دوم میلادی
گالری فری-یر-واشنگتن



۵-۱۱- معبد خاجوراهاو ، هند ، حدود سده ۱۰ میلادی

دوره‌ی اسلامی

تا سده هفتم هجری قمری/ سیزدهم میلادی، آثار قابل ملاحظه‌ای از نفوذ و اختلاط فرهنگی میان مسلمین و هندیان به دست نیامده است. از این تاریخ، با مهاجرت ایرانیان به هند زمینه ایجاد یک فرهنگ عظیم فراهم می‌شود. انتقال اسلام به هند نیز اساساً توسط ایرانیان صورت گرفت و همراه این انتقال فرهنگی زبان فارسی نیز رواج یافت. فنون کتاب‌آرایی اسلامی نیز رشد کرد و به اوج خود رسید به طوری که برخی از زیباترین نسخه‌های خطی نفیس فارسی در شبه قاره هند تدوین گردیده و تعداد نسخه‌های خطی فارسی هند بیش از تعداد نسخه‌های تدوین شده در ایران است.

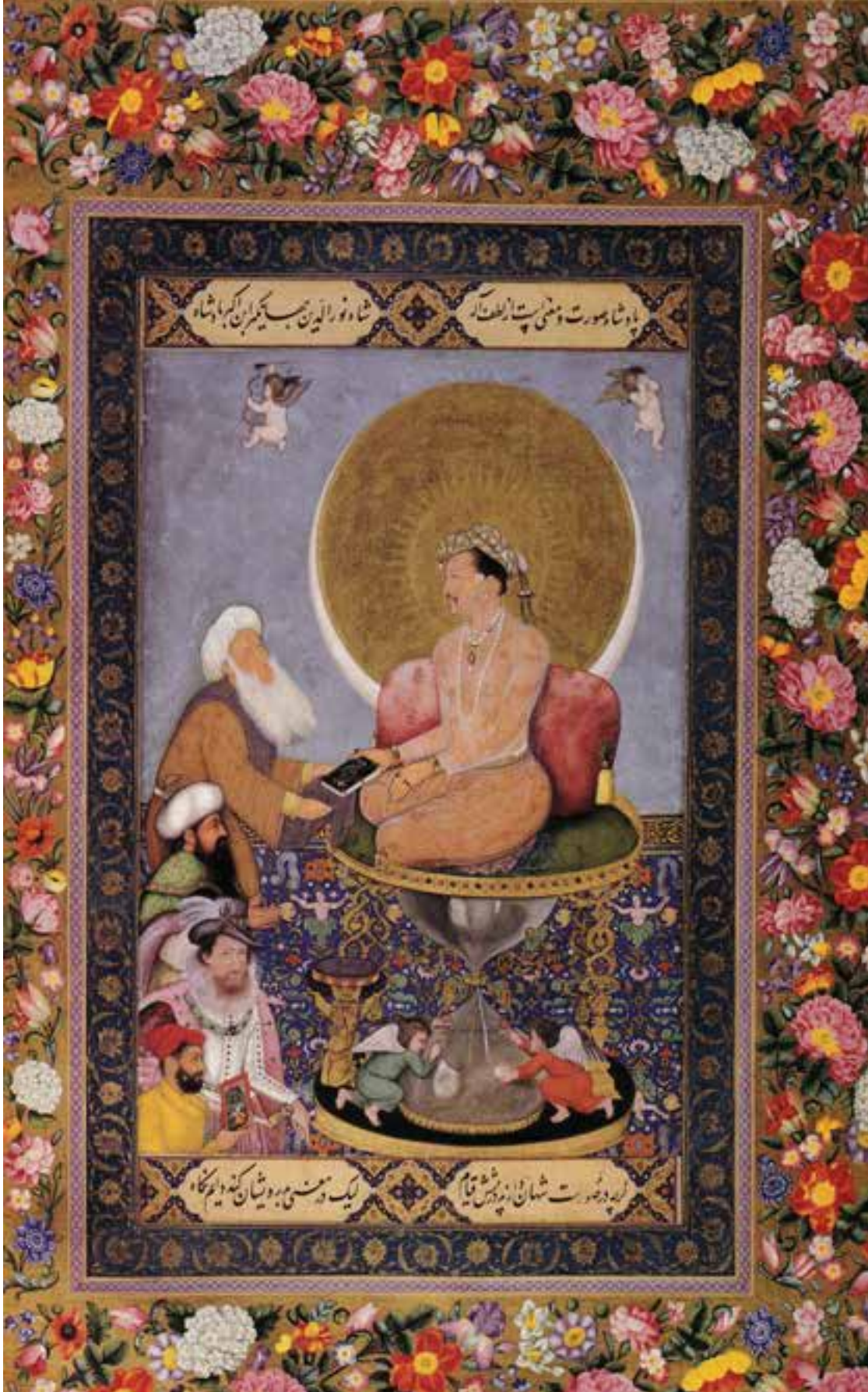
تأثیر فرهنگ ایران بر سرزمین هند در زمینه نقاشی، نگارگری، هنرهای دستی، فرش و معماری نیز بوضوح دیده می‌شود. اوج تجلی هنر اسلامی را که هنر «هندو- ایرانی» نیز نامیده می‌شود، می‌توان در دوران حکومت مغولان تیموری (۱۵۲۶ تا ۱۸۵۷ میلادی) مشاهده کرد.

هند به واسطه وجود سلاطین و درگیری‌های محلی آنان از نظر سیاسی کشوری ناآرام و بی‌تعادل بود اما پس از استقرار مغولان هند (تیموریان) نظام و قوام فرهنگی خاص یافت. لازم به ذکر است که لفظ «مغول» برای ما ایرانیان، توحش، بی‌فرهنگی و بربریت را تداعی می‌کند در صورتیکه این لفظ در شبه قاره هند همواره با احترام یاد می‌شود. مغول‌های هند، بر خلاف مغولانی که به ایران تاختند، پس از گذشت حدود دویست سال انسان‌هایی فرهنگ دوست و هنرپرور گشتند.

استقرار و قوام اولیه عهد مغول که توسط بابر، بنیانگذار این سلسله تا حدی بدست آمده بود در عهد حکومت فرزندش همایون شاه، ۵۶- ۱۵۳۰ میلادی تنزل کرد. ولی همین ضعف نظام سیاسی سبب رشد فرهنگی و هنری گشت زیرا همایون شاه از وحشت شورشیان به دربار شاه طهماسب صفوی در ایران پناه آورد. شاه طهماسب از او به نیکی پذیرایی کرد و برای بازپس گرفتن قدرت از دست رفته از او حمایت کرد. در زمان اقامت در دربار ایران، همایون شاه بسیار تحت تأثیر هنر، ادب و فرهنگ صفویه در ایران قرار گرفته بود و هنگامیکه با کمک شاه ایران توانست قدرت از دست رفته را باز یابد زمینه مهاجرت هنرمندان ایرانی را فراهم کرد. از پیشگامان این مهاجرت باید از «دوست مصور»، «میرسیدعلی» و «عبدالصمد» نام برد.

این هنرمندان برای پرورش هنرجویان و خلق آثار هنری، به ایجاد کارگاه‌های هنری در دربار همایون شاه پرداختند و بدین ترتیب فصلی نوین در فرهنگ و هنر هند آغاز گردید. قدر نهادن به هنر و هنرمندان در

دربار مغولان هند به حدی بود که بسیاری از هنرمندان و شعرای ایرانی به دربار پادشاهان مغول هند جذب شدند و منشا خدمات و آثار ارزنده‌ی فرهنگی و هنری گشتند. موج‌گرایش به هنر و فرهنگ ایران روز به روز گسترده‌تر می‌شد و آثار هنری ارزنده‌ای خلق می‌گشت. پادشاهان بعدی مغول، چون اکبرشاه (که **اکبر کبیر لقب گرفته**)، جهانگیر شاه و شاه جهان به ترتیب بر کمیت و کیفیت این هنر افزودند. آثار کم‌نظیری در زمینه‌های نسخ‌مصور خطی، کتاب‌هایی چون همایون‌نامه، اکبرنامه، توزک جهانگیری و پادشاهنامه شاه جهان و آثار چوبی، فلزی، سنگی و معماری از این دوران به جای مانده است که در ردیف برجسته‌ترین آثار هنری جهان قرار دارند (تصاویر ۱۲-۵ تا ۱۶-۵). نسخ‌خطی دوره‌ی اسلامی هند اغلب به زبان فارسی و خط نستعلیق نوشته شده‌اند. زبان فارسی در حکم زبان دینی مسلمانان هند است همانطور که زبان عربی و خطوط نسخ و ثلث برای ما ایرانیان فرهنگ اسلام را تداعی می‌کند، زبان و خط فارسی نستعلیق نیز نزد مسلمانان شبه‌قاره هند نه تنها به لحاظ فرهنگی و ادبی ارزشمند است بلکه از جایگاه خاص دینی نیز برخوردار است. پادشاهان مغول کتابخانه‌های عظیمی تأسیس کردند، به اهل قلم سفارش کتاب می‌دادند و سپس خوشنویسان و تذهیب‌کاران و نگارگران به تصویر و تزئین این کتاب‌ها می‌پرداختند. خلق این آثار از یک سو به ترویج خط و زبان فارسی انجامید و از سوی دیگر زمینه را برای خلق آثار بدیع هنری در قالب خط، تذهیب و نقاشی فراهم نمود. دوران هنر اسلامی شبه‌قاره هند در عهد شاه جهان به کمال خود رسید. بنای زیبای تاج محل (تصویر ۱۷-۵) مربوط به همین عهد است. این بنا که در شهر آگرا واقع است، مقبره ممتاز محل همسر محبوب شاه جهان است که بعدها خود نیز در آن مدفون گشت. این بنا که به نمادی از عشق شهرت دارد و یکپارچه از سنگ مرمر سفید ساخته شده، از تاثیر عمیق هنر معماری ایرانی بر معماری بومی هند حکایت می‌کند.



۱۲-۵- جهانگیر شاه و شیخ صوفی، نقاشی مغولی، آبرنگ جسمی روی کاغذ، هند، سده یازدهم هجری



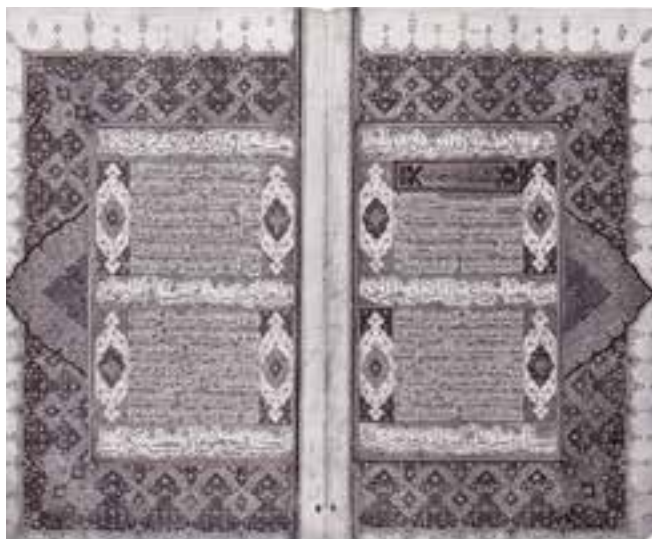
۱۴-۵- برگگی از اکبر نامه ،
عهد مغول ، سده دهم هجری
هند ،



۱۳-۵- منار قطب الدین
ایبک ، دهلی ، سده ششم
هجری ، سنگ ماسه سرخ
ومرمر صاف



۱۶-۵- شاه جهان در حال نگهداری
یک جواهر ، مرقع شاه جهان



۱۵-۵- دو صفحه روبرو از قرآن دست نوشته ،
لاهور ، سده دهم هجری ، کتابخانه ی بریتانیا



۱۷-۵- نمای کلی تاج محل، آگرا، هند

پرسش

- ۱- چه مواردی را می‌توان به عنوان نشان دهنده ارتباط نزدیک ایران و هند ذکر کرد؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۲- تمدن هند را به چند دوره تقسیم می‌کنند؟ نام ببرید.
- ۳- شهرهای مهم "هاراپا" و "موهنجارو" مربوط به چه دوره‌ای هستند و چه ویژگی‌های دارند؟
- ۴- نخستین آثار ارزنده‌ی به دست آمده از دوره‌ی حکومت آریائیان در هند چیست؟ توضیح دهید.
- ۵- اولین نمونه‌های معماری بودایی چه نام دارند و کاربردشان چه بوده است؟
- ۶- معابد هند دارای چه خصوصاتی هستند؟
- ۷- انتقال اسلام به هند از چه طریق صورت گرفت؟ توضیح دهید.
- ۸- اوج تجلی هنر اسلامی هند مربوط به چه دورانی است؟ چرا؟
- ۹- سه تن از هنرمندان ایرانی پیش‌گام مهاجرت به هند را نام ببرید.
- ۱۰- چند نمونه از آثار برجسته‌ی نسخ خطی مصور کارشده در زمان پادشاهان مغول را نام ببرید.
- ۱۱- دوران هنر اسلامی هند در عهد کدام پادشاه به کمال خود رسید؟ یکی از مهم‌ترین آثار این دوره را ذکر کنید.

فصل ششم

هنر و تمدن چین و ژاپن



چین معاصر

ح ۱۹۱۱ م

سلسله چینگ

ح ۱۶۵۰ م

سلسله مینگ

ح ۱۴۰۰ م

سلسله یوآن

ح ۱۳۰۰ م

سلسله سونگ

ح ۹۵۰ م

سلسله تانگ

و ۵ سلسله

ح ۵۵۰ م

سلسله های ششگانه

ح ۲۲۰ م

سلسله های

چین و هان

ح ۴۰۰ ق م

سلسله زو (چو)

ح ۱۰۰۰ ق م

سلسله شانگ

ح ۲۰۰۰ ق م

دوران نوسنگی



اهداف رفتاری:

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود:

- ۱- تفکر و هنر غالب در نظام فکری مؤثر در هنر چین را شرح دهد.
- ۲- عوامل و عناصر تشکیل دهنده ی هنر کهن شرق دور را شرح دهد.
- ۳- هنر سلسله ی میانه وچین متأخر را شرح دهد.
- ۴- ارتباط هنر چین را با دیگر هنر ها (ایران) به اجمال توضیح دهد.
- ۵- هنر و تمدن ژاپن را به اختصار شرح دهد.

هنر و تمدن چین

شرق دور متشکل از کشورهایی است چون چین، کره و ژاپن که کمابیش دارای فرهنگ و هنری نزدیک به هم هستند. دوران تاریخی فرهنگ و تمدن چین به حدود هزاره دوم قبل از میلاد می رسد و با سلسله شانگ قطعی و مستند می شود. اکتشافات باستان شناسی به وجود تمدن و حکومت منسجمی در دشتهای اطراف رودخانه زرد یا هوانگ هو (جوانگ جو) در شمال و شمال شرقی چین گواهی داده است. هنر چین از جمله هنرهای شاخص جهان است که از دیر باز هویت خاص چینی خود را حفظ نموده است. چین به خاطر

اختراعات ارزنده‌ای چون تهیه ابریشم از پيله‌ی کرم ابریشم، ساخت ظروف چینی بسیار مرغوب، کاغذ و نیز صنعت چاپ شهرت بسیار دارد.

تفکر و هنر غالب چین در طول تاریخ تحت تأثیر سه نظام فکری و اعتقادی یعنی تعالیم «لاوتسه»^{۱۷}، «کنفوسیوس»^{۱۸} و «بودا»^{۱۹} شکل گرفته است.

۱- قدمت تعالیم **تائو** به ۶۰۴ قبل از میلاد و به دوران سلسله «چو» باز می‌گردد. بنیانگذار این تفکر شخصی به نام لاوتسه بوده که جز یک کتاب کوچک تحت عنوان «راه و قدرت های آن» (دائو دجینگ) از وی چیزی به جای نمانده است. تعالیم عرفانی لاوتسه مربوط به یگانگی با نیروی لایزال جهان است.

۲- **کنفوسیوس** در سال ۵۵۱ قبل از میلاد در دوران سلسله چو دیده به جهان گشود. تعالیم او ضمن تأکید بر جنبه‌های اخلاقی متوجه ایجاد تحولاتی در جهت بهبود ساختار اجتماعی و نظام حکومتی بود. کنفوسیوس را بیشتر می‌توان یک مصلح فیلسوف دانست.

۳- «**بودا**» شاهزاده‌ای هندی بود که در سده ۵ ششم قبل از میلاد در هند متولد شد، در همان سرزمین به ترویج تعالیمش پرداخت و همانجا نیز جان سپرد. تعالیم بودا که بر مبنای تعالیم زیستی و صلح‌اندیشی استوار بود، در فاصله چند سده در میان اقوام، ملل و فرهنگ‌های مجاور مقبولیت وسیع یافت. جاده ابریشم در انتقال این آیین و هنرهای ناشی شده آن نقش مهم و حساس ایفا کرد. از طریق همین شبکه راه بود که فرهنگ‌های گوناگون شرقی و غربی با یکدیگر آمیخته و انعکاس آن را می‌توان به بهترین نحو در آثار هنری دوره بودایی که از سده اول میلادی به بعد وسعت و شوکت یافت، مشاهده کرد.

مهم‌ترین هنر چینی خوشنویسی و نقاشی است. با شکل‌گیری سلسله‌های پنج‌گانه و سلسله سونگ مهم‌ترین دوران عصر طلایی فرهنگ، شعر و هنر چینی با به وجود آمدن طریقت چینی موسوم به «چان» همراه با تأسیس هنرکده نقاشی، تحول شگرفی در نقاشی منظره‌سازی به ویژه طومارهای آویختنی یا کادرهای عمودی پدید آمد. همچنین در این دوران پیکره‌های چوبی با شکوه و غیررسمی با توجه به ظرافت‌های اجرایی ساخته شد. آئین "چان" تلفیقی از تعالیم زیستی بودا و افکار لاوتسه یا به عبارتی تلفیقی از تعالیم تائوئیسم و بودایی است که توجه خاصی به طبیعت دارد و زمینه‌ساز مهم‌ترین تجربیات هنری نقاشی در زمینه منظره‌سازی است. این آیین امروزه بیشتر با واژه ژاپنی آن یعنی "ذن" بکار گرفته می‌شود.

”خوش نویسی“ در سنت هنری چین والاترین جایگاه را دارد، از این رو آموزش خط به عنوان یک پدیده تربیتی بنیادین از دوره کودکی آغاز می‌گردد. یک فرد چینی اهل فرهنگ می‌بایست همواره توان خویش را در خوش نویسی حفظ می‌کرد تا بتواند آن را به اثبات برساند. اهمیت خوش نویسی به حدی بوده که حتی محققان و اهل علم برای احراز یک مقام رسمی دولتی می‌بایست امتحان خوش نویسی را با موفقیت پشت سر می‌گذاشتند و در غیر این صورت به مسند مورد درخواست گمارده نمی‌شدند.

ابزار خوش نویسی چینی عبارت از قلم مو، کاغذ، مرکب و سنگ مرکب بودند و این هنر از کهن‌ترین هنرهای چین است. این هنر با تعالیم لائوتسه، ارتباط مستقیم دارد. بر اساس این تعالیم، حرکت قلم می‌بایست دارای تمام نیروهای حیات بخش جهان و کیهان شامل نیروهای نهان در کوهها، رودخانه‌ها و صخره‌ها، درختان، حشرات و دیگر جانداران باشد. هنرمند می‌بایست با تمرین بسیار بتواند با جزئی‌ترین حرکات، فشار، نرمی و کشش قلم مو قادر به القای نیروهای مذکور باشد. او در طی این ریاضت طولانی نه تنها به شناخت قوای طبیعت دست می‌یابد بلکه به شناخت حقیقت خویش نیز نائل میگردد. او به هنگام خلق یک اثر خوش نویسی و نقاشی را به نمایش می‌گذارد. (تصویر ۱-۶ الف و ب)



۱-۶-۱- ب- نقاشی و خوش نویسی، هسوی، ۱۵۹۳-۱۵۲۱، چین



۱-۶- الف- ادوات نقاشی و خوش نویسی

آثار خوش نویسی در سراسر چین به عنوان یک سنت فرهنگی ملی به صورت خطوط تزئینی بر سر در و دیوار معابد، غارها، سینه‌ی کوه‌ها و عنصری از عناصر نقاشی دیده می‌شود و رواج کامل دارد. "نقاشی" در چین نزدیکی بسیاری با خوشنویسی دارد. ابزار هر دو یکی است و زمینه کار نیز کاغذ یا ابریشم است. طبیعت از موضوعاتی است که بسیاری از نقاشان را تحت تأثیر خود قرار داده، نقاش اصیل چینی هیچگاه به تقلید از طبیعت نمی‌پردازد چرا که مقصود او چیزی ورای ظاهر طبیعت است. او به یگانگی با روح و جوهر طبیعت می‌اندیشد و می‌کوشد تا با ایجاد فضاهایی به کمک حرکت موج قلم مو و با حداقل پرداختن به جزئیات، تخیل خود را از طبیعت تصویر نماید.

وقتی به یک نقاشی منظره‌ی چینی نگاه می‌کنیم عظمت طبیعت را بدون نیاز به مشاهده جزئیات حس می‌کنیم. کوهها، رودها، درختان و ... همه با آن نیروی ذاتی خود در تصویر حضور دارند. انسان‌ها اغلب چون ذرات ناچیزی در گوشه و کنار دیده می‌شوند. این نوع تصویرگری با تعالیم لائوتسه که انسان را در قیاس با عناصر طبیعت عنصری کوچک و حقیر می‌داند، هم سویی و هم‌نوایی کامل دارد. (تصویر ۲-۶)



۲-۶-بودیساتوا، پیکره چوبی نقاشی شده، سده ۱۲ و ۱۳ میلادی، چین



۲-۶-نقاشی منظره، چین



۶-۴- گوانگ با شکل جانوری، سلسله شانگ، سده ۱۲ یا ۱۱ ق. م، مفرغ



۶-۵- حلقه بی، سنگ یشم، شی مقدس مردگان، سده چهارم و سوم ق. م

حجم زیادی از هنر دینی چین را آثار بودایی تشکیل می دهد. معبد - غارها، نقاشیهای روی دیوار و طاق پرستشگاه، تندیسها و شمایلهای چوبی، گلی و سنگی بی شمار با مضامین بودایی در جای جای این کشور وسیع پراکنده است (تصویر ۳-۶).

هنر چین باستان (از هزاره دوم قبل از میلاد تا سده ی ششم میلادی)

پس از گذراندن عصر نوسنگی، دوران تاریخی چین از سلسله شانگ شروع و تا پایان دوران شش پادشاهی را در بر می گیرد. بر اساس یافته‌های باستان شناسی قدیمی‌ترین تندیسهای بدست آمده، مجسمه‌های کوچکی از جنس سفال بسیار مرغوب (نزدیک به چینی) و یا پیکره‌های کوچکی از جنس سنگ یشم سبز یا مرمر سفید است. بسیاری از این تندیسها در مقبره‌ی پادشاهان سلسله شانگ یافت شده که از آیین به خاک سپاری لوازم و اشیاء مختلف، همراه با مردگان در آن عصر حکایت می کند. همچنین پیکره‌ها و ظروف مفرغینی که از نمونه‌ی بارز آن می توان به گوانگ^{۲۰} اشاره کرد نیز وجود دارد (تصویر ۴-۶).

در اواخر دوران سلسله شانگ و شروع سلسله «چو» آثار مفرغی با ایجاد برخی تغییرات در شکل آن‌ها ساخته شد و سنگ یشم ارزش بیشتری یافت و در آن‌ها توجه خاصی به گرایش‌های آیینی (لائوتسه و کنفوسیوس) پدیدار شد (تصویر ۵-۶). در دوران سلسله «چین»^{۲۱} بنیاد رسمی و نظام حکومتی منسجمی برقرار و همچنین خط و سکه یکسان و شبکه‌ای از راه‌ها احداث و برای استحکام بخشیدن قلمرو حکومتی دیوار عظیم چین ساخته شد (حدود سده دوم ق. م).

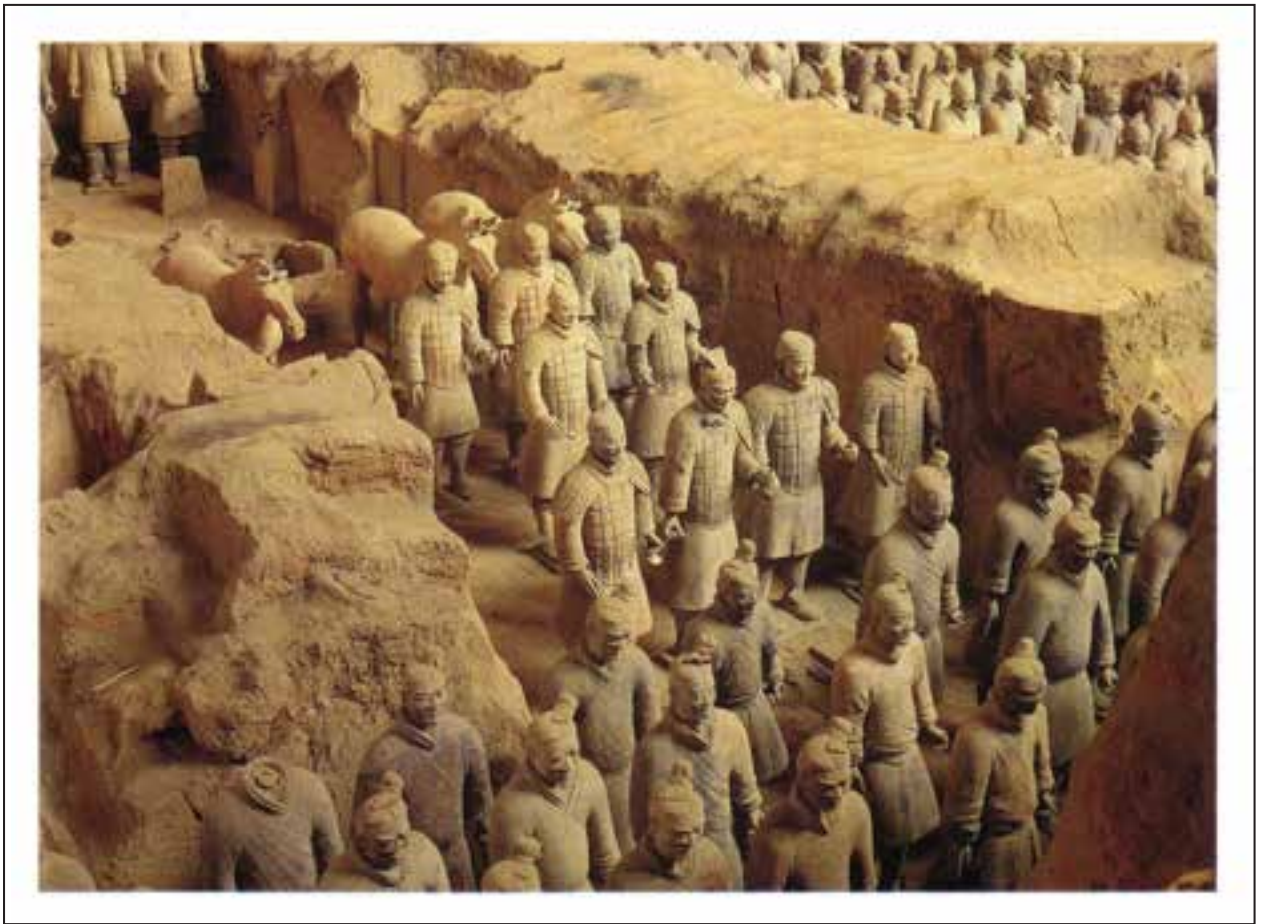
از آثار منحصر به فرد سلسله چین ارتش سفالین در ابعاد طبیعی است (تصویر ۶-۶). با روی کار آمدن سلسله «هان» با برقراری مجدد نظام حکومتی و آیین کنفوسیوس شهرهایی با ساختار چهار جهت اصلی و ایجاد کاخ‌هایی با شکوه با دیوار نگاره‌های مجلل پدید آمد و بر اساس آثار باستان‌شناسی بدست آمده از مقابر بزرگ پادشاهی یا خاندان سلطنتی، مانند پارچه‌های ابریشمی نفیس (تصویر ۷-۶)، بخورسوزهای مفرغی با تزئینات مرصع و با اختراع کاغذ (حدود ۱۰۵ ق. م) اولین بازتاب عناصر هنر متعالی منظره پردازی چینی (کوه و آب) گسترش یافت.

شکل‌گیری دوران شش پادشاهی در سده سوم میلادی با نفوذ تعالیم بودا، اصول شش گانه^{۲۲} نقاشی

۲۰. guang ظروف مفرغین با درپوش بزرگ، به هیبت جانوری، دارای تزئینات چهار گوش

۲۱. نام کشور چین نیز از همین سلسله بر گرفته شده است.

۲۲. ۱- یگانگی با روح و جوهر طبیعت ۲- روش های بکار گیری قلم مو ۳- وفاداری به شکل ظاهری اشیاء ۴- هماهنگی و همسانی کاربرد رنگها ۵- طرح ریزی صحیح در بکارگیری عناصر ۶- انتقال تجربه گذشتگان



۶-۶- سپاه سفالین رنگ شده شی هوانگ دی ، دفن شده در گودال ، سلسله‌ی چین -۲۱۰ ق. م. ، بلندی پیکره‌ها حدود ۱۷۷ سانتی متر



۶-۷- پرچم تشییع جنازه ، نقاشی روی ابریشم ، آرامگاه سلسله‌ی هان ، ۱۶۸ ق. م.

چینی تدوین و نوعی روش اجرای نقاشی با مرکب بر کاغذ گسترش یافت. از دیگر آثار بدست آمده می‌توان به طومارهای ابریشمی یا کاغذی که برای نگارش با نقاشی استفاده می‌شد اشاره کرد.

لازم به ذکر است که هنر بودایی در سده‌های نخستین خود عاری از هرگونه شمایل‌ی است. در این دوره هیچ مجسمه‌ای از بودا بدست نیامده و همواره به صورت نمادها و نشانه‌های خاص از او یاد شده است. با گسترش آیین بودایی و همزمان با اوج‌گیری داد و ستد ملل و اقوام از طریق جاده‌ی ابریشم سنن دینی هم از یکدیگر تأثیر پذیرفتند. هنرمندان با آثار هنری اقوام دیگر آشنا شدند و از یکدیگر بهره گرفتند و روش‌ها آموختند. رفته رفته تصویر کردن "بودا" و ساختن شمایل‌های او رواج یافت. از حدود سده‌ی اول میلادی ساخت شمایل‌های "بودا" اشاعه یافت و با گسترش جغرافیایی آیین بودایی نه تنها بر تعداد تندیس‌های بودا افزوده شده بلکه ابعاد مجسمه‌ها نیز رشد کرده است.

شناخت کالبدشناسی، شکل، رنگ، بافت و غیره در هنر چین در سطح عالی بود به طوری که تجربیات دیگر فرهنگ‌های مرتبط را در برمی‌گرفت (تصویر ۳-۶). تندیس‌های از هنر مجسمه‌سازی و نقاشی که حاصل بیش از هزار سال تجربه هنری است.

هنر سلسله‌های میانه (کلاسیک)

این دوره شامل سلسله‌های تانگ، سلسله‌های پنج‌گانه و خاندان سونگ می‌باشد. با گستره جغرافیایی چین در زمان سلسله تانگ ادیان مختلفی چون بودایی، مسیحی، زرتشتی و اسلامی پدیدار شدند. از آثار برجسته این دوران می‌توان به بوداهای عظیم الجثه بی‌شمار در غارهای هزار بودای نواحی مختلف چین اشاره کرد (تصویر ۸-۶).

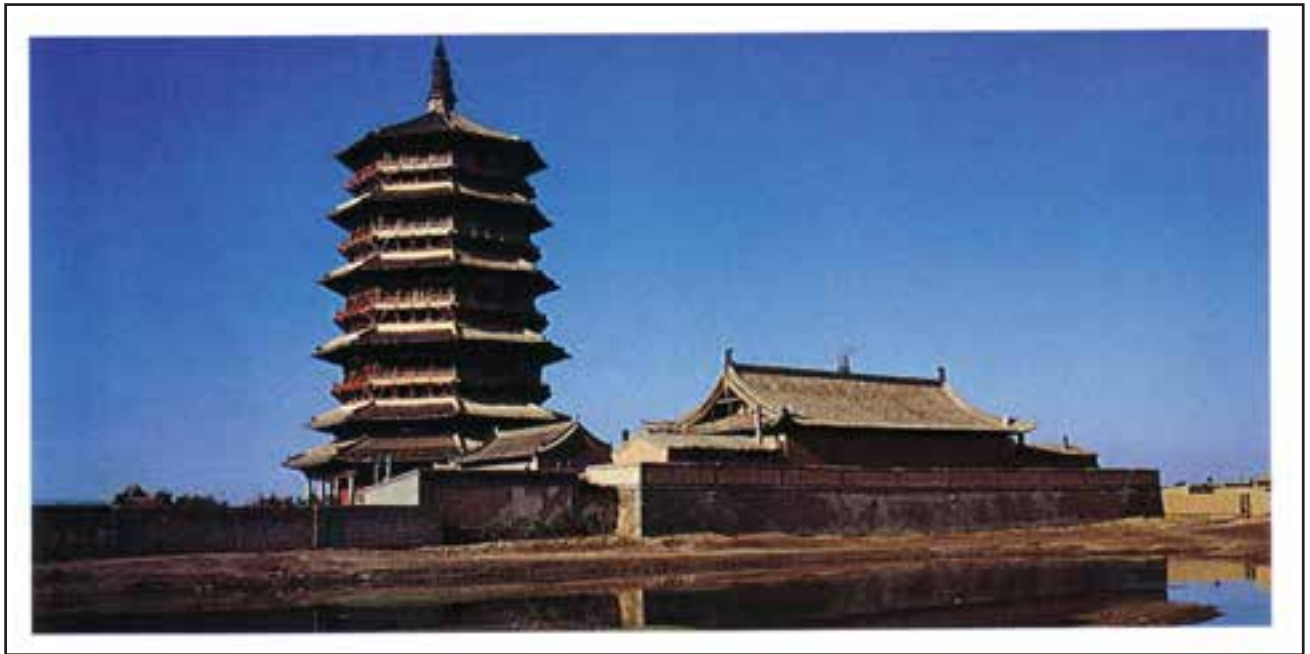
در این دوره نمونه‌های بسیار دیگری به دست آمده است. از جمله: آثار نوشتاری، طومارهای امپراتوری، معابد باشکوه چوبی همراه با نقاشی و دیوارنگاری، پیکره‌های مفرغی، بناهای آجری هفت طبقه موسوم به پاگودا^{۲۳} (تصویر ۹-۶ الف و ب)، پیکره‌های غاری بزرگ و پیکره‌های صخره‌ای، تندیس‌های گلی رنگ شده به ویژه اسب^{۲۴} (تصویر ۱۰-۶)، تصاویر بودا در بهشت (تصویر ۱۱-۶) و منظره‌های تک رنگ بر ابریشم (تصویر ۱۲-۶).



۶-۸- بوداهای عظیم الجثه،
غارهای هزار بودا، سلسله‌ی
تانگ، ۶۸۰-۶۷۰ م بلندی
۱۵ متر، چین

۲۳. pagoda

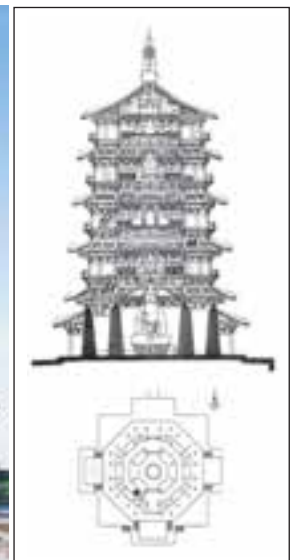
۲۴. اسب در فرهنگ چین همان ارزش گاو در فرهنگ خاورمیانه را دارد.



۹-۶-الف - پاگودا، ینینگ شییان، ۱۰۵۶ میلادی، چین



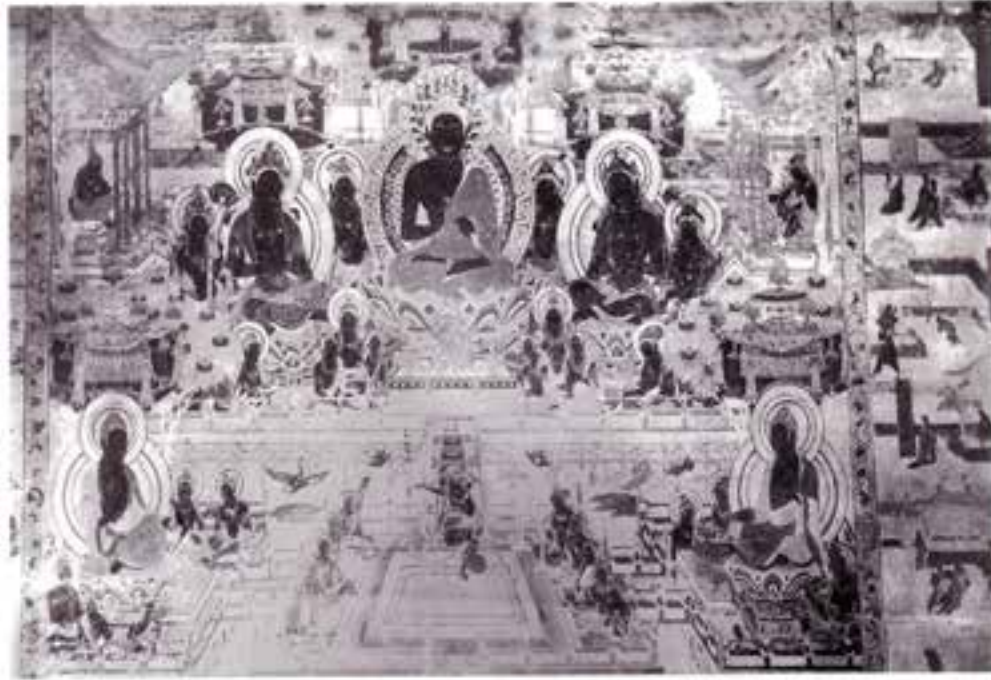
۱۰-۶-اسب سفالین لعاب دار، سده ۹ و ۸ میلادی، بلندی ۵۰ سانتی متر



۹-۶-ب - پلان و برش عرضی پاگودا



۶-۱۲- مسافران در میان کوه ها ورودها ، فان کو آن، سلسله ی سونگ ، سده ۱۱ میلادی ، طومار عمودی مرکب و رنگ روی ابریشم



۶-۱۱- بهشت آمیتایها ، نقاشی دیواری غار تون هوانگ ، سلسله ی تانگ ، سده ۹ میلادی ، چین

چین متاخر

دوره چین جدید شامل سلسله های یوان، مینگ، چینگ و دوره معاصر (جمهوری چین) می شود. این دوره تاریخی با تسلط مغولها بر چین از سده سیزدهم و چهاردهم میلادی آغاز شد و حاکمان جدید تلاش کردند فرهنگ غنی چین را جذب کنند. از مهم ترین تحولات هنری این دوران می توان به شکل گیری مکتب بن رن با حضور شخصیت های علمی، ادبی، فرهنگی که به نقاشی می پرداختند اشاره کرد. عمده نقاشی های این مکتب که بر کاغذ ترسیم می شد شامل کوه های رفیع، آبشار، جنگل ها، رودخانه ها، کاج های گره دار، تک چهره ها، اسب، پرنده، گل و ... بود. ولی غالب ترین موضوع نقاشی به «خیزران»^{۲۵} توجه دارد (تصویر ۱۳-۶).

دوران مینگ شامل سده های چهاردهم تا هفدهم، دوران شکل گیری پایتخت رسمی چین در شهر پکن و ساخت شهر ممنوعه (بی جینگ)^{۲۶} (تصویر ۱۴-۶) است. دوران باز آفرینی هنرهای پیشین، تمایل به تزئینات،

۲۵. خیزران در فرهنگ چین معادل اصل زاده در نظر گرفته می شود که در مقابل سختی ها خم می شود اما هرگز نمی شکند.

۲۶. بی جینگ: محل اقامت امپراتور